



پنجمین همایش سالانه و نخستین همایش بین المللی انجمن علمی مطالعات صلح ایران
دانشگاهیان و صلح آفرینی در منطقه فرهنگی نوروز
 ۲۰ و ۲۱ بهمن ماه ۱۴۰۰



کتابچه چکیده مقالات



ECO College of Insurance

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



کتابچه چکیده مقالات پنجمین همایش سالانه و نخستین همایش بین المللی انجمن علمی مطالعات
صلح ایران؛ دانشگاهیان و صلح آفرینی در منطقه فرهنگی نوروز، ۲۰ و ۲۱ بهمن ماه ۱۴۰۰

دبیر علمی: دکتر مجتبی مقصودی

دبیر اجرایی: دکتر ماندانا تیشه یار

ناشر: انجمن علمی مطالعات صلح ایران

نوع چاپ: الکترونیکی

طراح جلد: لطیفه سخی

ویراستاران: ثریا منصوری کارگر، راضیه مینایی

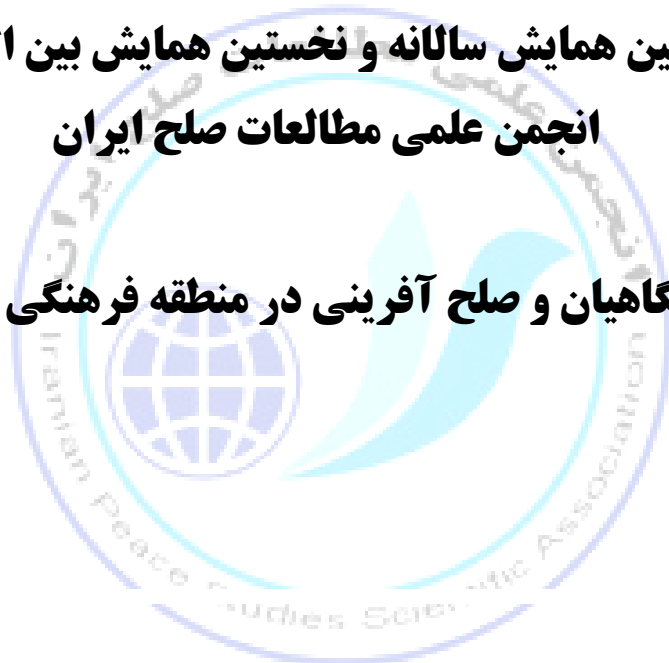
محل نشر: تهران

سال نشر: ۱۴۰۱



چکیده مقالات

**پنجمین همایش سالانه و نخستین همایش بین المللی
انجمن علمی مطالعات صلح ایران
دانشگاهیان و صلح آفرینی در منطقه فرهنگی نوروز**





معرفی همایش:

امروزه صلح و امنیت ملی پایدار تنها از راه همکاری کشورها در حوزه های گوناگون سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دست یافتنی می باشد. از این رو، در بیشتر مناطق جهان، روندهای صلح سازی در سطح فراملی و با مشارکت نهادهای گوناگون در حال طراحی و اجرا می باشند. در مناطق پیرامون ایران نیز بسیاری از موضوعات امنیتی، مانند تروریسم، بنیادگرایی، قاچاق مواد مخدر، آلودگی های زیست محیطی، تنش های قومی و مذهبی، مهاجرت و دیگر مشکلات که به ناامنی و تهدید صلح و آرامش جوامع می انجامند، ریشه های مشترک داشته و تاثیرات مشابهی بر زیست مردم این مناطق برجای گذاشته اند. این در حالیست که در سال های اخیر، گسترش شبکه های اجتماعی مجازی، اثرگذاری رویدادها بر جوامع گوناگون و تاثیرپذیری زندگی مردم جوامع گوناگون از یکدیگر را افزایش چشمگیری داده است. از این رو، به نظر می رسد هم اندیشی برای یافتن سازوکارهای مشترک و طراحی برنامه های جمعی برای دستیابی به صلح پایدار از سوی نخبگان علمی و دانشگاهی، از یکسو می تواند زمینه ای مناسب برای همزیستی مسالمت جویانه میان دولت ها و جوامع در سطوح منطقه ای و بین المللی فراهم آورد و از سوی دیگر می تواند زمینه دست یابی به راه حل های مشترک در برابر تهدیدات و ناامنی های فرامرزی را فراهم سازد.

بر این پایه، مناسب دانسته شد که در آستانه سده نوین خورشیدی، زمینه گفتگوی علمی میان اندیشمندان ایرانی با همتایان خود در کشورهای گوناگون، به ویژه در منطقه فرهنگی نوروز که دامنه آن از کاشغر در چین و کشمیر در هند گرفته تا استانبول در ترکیه و بیروت در لبنان و از اوستیا در روسیه و نورسلطان در قزاقستان تا کراچی در پاکستان و بصره در عراق را در بر می گیرد، در زمینه راه های همکاری جمعی برای برپاداری صلح و کوشش برای ارایه گفتمان های امنیت ساز نوین فراهم آید. انجمن علمی مطالعات صلح ایران، به عنوان یکی از کارآمدترین انجمن های علمی در زمینه ترویج گفتمان صلح و آشتی، می تواند نهادی پیشگام در زمینه فراهم آوردن بستر مناسب برای گفتگو و اندیشه ورزی میان نخبگان فکری در این حوزه فرهنگی و تمدنی با هدف صلح سازی باشد.

با توجه به جایگاه ژئوپلیتیکی ایران و پیوند آن با چهار منطقه غرب آسیا، جنوب آسیا، آسیای مرکزی و قفقاز، و ارتباط گسترده مشکلات امنیتی در این مناطق با یکدیگر، در این همایش کوشش شد تا از اندیشمندانی از کشورهای گوناگون، به ویژه از محدوده جغرافیایی که کمابیش با حوزه تاریخی تمدنی مشترک مردمان این سرزمین ها نیز همپوشانی دارد، دعوت به عمل آید. در نتیجه، در این همایش میزبان اندیشمندان و پژوهشگرانی از ۱۳ کشور شامل ترکیه، عراق، گرجستان، آذربایجان، روسیه، قزاقستان، ازبکستان، تاجیکستان، هندوستان، افغانستان، پاکستان، چین و ایران بوده ایم. همچنین نهادهای علمی از ایران و دیگر کشورهای منطقه ما را در برگزاری این همایش بین المللی یاری نموده اند. جا دارد از همراهی شورای علمی این همایش که شامل استادان ارجمندی بود که در زمینه تعیین محورها، ارزیابی چکیده ها و ارتقای سطح علمی همایش راهنمایی های ارزنده ای ارائه دادند و نیز کمیته اجرایی همایش که شامل دانشجویان و کارشناسان کوشایی بود



که به صورت حرفه ای و با پشتکار ماه ها به پیگیری امور پرداختند، سپاسگزاری ویژه به عمل آید. سخن پایانی آنکه، این برنامه دستاورد همکاری گروهی در سطح منطقه ای بود و امید است که بتوانیم این دست از همکاری های علمی را تقویت نموده و تداوم بخشیم.

دکتر مجتبی مقصودی

دبیر علمی همایش

بهمن ۱۴۰۰





**Academics and Peacebuilding in the
Nowrooz Cultural Sphere
9-10 February 2022
Scientific Committee**



Cüneyt Akalin,
Marmara University
Turkey



Mohammad Alteif
University of Kerbala
Iraq



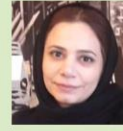
Sima Baidya
Jawaharlal Nehru University
India



Mohammad Mirweis Balkhi
Former Minister of Education
Afghanistan



Ahmad Fateminezhad
Ferdowsi University of Mashhad
Iran



Rose Fazli
Allameh Tabataba'i University
Iran



Li Fuquan
Northwest University
China



Ali Karimi
University of Mazandaran
Iran



Syeda Faleeha Zahra Kazmi
Lahore College for Women University
Pakistan



Mohsen Khalili
Ferdowsi University of Mashhad
Iran



Rustam Lazimov
Khazar University
Azerbaijan



Mojtaba Maghsoudi
Islamic Azad University of Tehran
Iran



Mohammad Mansournezhad
Iranian Peace Studies Scientific Association
Iran



Amir Houshang Mirkoshesh
Islamic Azad University of Semnan
Iran



Nouri Mohammadzadeh
Dagestan State University
Russia



Ali Morshedizad
Shahed Beheshti University
Iran



Abdulmir Nabavi
Institute for Social and Cultural Studies
Iran



Nikoloz Nakhutsrishvili
Giorgi Tsereteli Institute of Oriental Studies
Georgia



Bagher Shamlu
Shahid Beheshti University
Iran



Mandana Tishehyar
ECOI College
Allameh Tabataba'i University
Iran



Akbota Zholasbekova
Eurasia National University
Kazakhstan



فهرست چکیده های فارسی

- ۹ نقش مطالعات ایرانی در ازبکستان در مسیر هماهنگی بین قومی
- ۱۲ نوروز، نماد وحدت تمدنی و هم‌گرایی منطقه‌ای
- ۱۳ فقدان تعلق هویتی و فرهنگ آگاهی تاریخی: دشواره صلح در منطقه نوروز
- ۱۴ جهان‌شناسی نوروز در اوستا و مناسبات اخلاقی-سیاسی آن در زیستمان وجودی
- ۱۵ هنر، زبان گفتگوی تفاهمی میان جوامع یک حوزه تمدنی
- ۱۵ مطالعه موردی نشانگان آیینی در میان اقوام منطقه جنوب غربی آسیا
- ۱۶ دانشگاهیان ایران و رویکرد تمدنی در دیپلماسی عمومی نسبت به منطقه فرهنگی نوروز
- ۱۷ دیپلماسی نوروزی؛ مجالی برای بازاندیشی روند صلح
- ۱۸ جایگاه مطالعات صلح در آموزش عالی کشورهای منطقه فرهنگی نوروز
- ۱۸ مطالعه موردی (افغانستان)
- ۱۹ توسعه تمایلات پایدار وحدت میان ملت‌ها
- ۲۱ شرط امکان دوام دوستی و مهر در اقلیم فرهنگی نوروز از منظر حافظ
- ۲۲ «تحمیل مذهبی» رمز صلحی بین‌المللی است.
- ۲۵ نقش پیک های نوروزی و صلح در جامعه
- ۲۶ نوروز، نمک سیاست خارجی است!
- ۲۷ حاکمیت قانون به مثابه صلح در خاورمیانه
- ۲۷ مطالعه موردی؛ نسبت‌سنجی نوسانات شاخص‌های حاکمیت قانون با روند صلح در خاورمیانه
- ۲۸ بنیان های صلح فراگیر در حوزه فرهنگی نوروز: نمونه مطالعاتی منطقه خاورمیانه
- ۲۹ جایگاه مطالعات صلح در آموزش عالی کشورهای منطقه فرهنگی نوروز
- اثر تعاملات دانشگاهی بین‌المللی بر سوء گیری‌های نژادگرایانه و ارتقاء همدلی در منطقه فرهنگی نوروز؛ مطالعه موردی ایران و افغانستان
- ۳۰
- ۳۱ نقش زنان دانشگاهی در گسترش صلح پایدار: مطالعه موردی دانشجویان افغانستانی در ایران
- ۳۲ مداخله بشردوستانه، صلح و زنان در سوریه، عراق و افغانستان
- ۳۴ ارزیابی نقش ایران در نظم نوظهور و همگرایی منطقه نوروز و پدیداربخشی اتحادیه خاورمیانه
- ۳۵ نقش جشن‌های نوروزی در صلح‌آفرینی و گسترش فرهنگ دوستی میان کشورهای منطقه نوروز
- ۳۶ اخلاق جهان‌وطنانه و صلح جهانی
- ۳۷ مسئولیت اجتماعی دانشگاهیان برای صلح‌آفرینی در منطقه نوروز
- ۳۸ تمایز ساختار هستی‌شناختی دولت‌ها، مبنای منطق صلح و جنگ در نظام بین‌الملل
- ۴۰ تأثیرات فرهنگی دیپلماسی آموزشی ایران بر دانشجویان کشورهای حوزه تمدنی نوروز



- منابع ادبی و تاریخی به زبان فارسی در خدمت احیای سنت‌های فرهنگی مشترک منطقه فرهنگی نوروز؛
- ۴۱ مطالعه موردی دیوان‌های اشعار خاقانی شروانی و نظامی گنجوی
- ۴۲ انسان دوستی در کلام فردوسی طوسی
- ۴۴ نوروز و فرهنگ صلح
- ۴۵ دانشگاهیان و بازآفرینی نقش همگرایانه عارفان
- ۴۶ پیش نیازهای نقش آفرینی دانشگاه در دیپلماسی عمومی گفتمان‌های صلح محور منطقه نوروز
- ۴۷ ارزش‌های جهانی منطقه فرهنگی نوروز و رسالت دانشگاهیان در شکل دهی به گفتمان حوزه تمدنی نوروز
- ۴۸ رسالت دانشگاهیان در نسل چهارم دانشگاه برای صلح آفرینی در منطقه نوروز
- تحلیل سازه‌انگاران از نقش مهاجران افغانستانی در تحکیم دیپلماسی عمومی و افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در کشور افغانستان
- ۴۹
- ۵۰ بایسته‌ها و راه‌های ایفای نقش دانشگاهیان در گسترش صلح و دوستی در منطقه نوروز؛
- ۵۰ از تئوری تا عمل
- ۵۱ نقش دیپلماسی نوروز در صلح و امنیت منطقه
- ۵۲ گفتگوی فراگیر علمی و فرهنگی در منطقه فرهنگی نوروز؛
- ۵۲ تقویت اعتماد و آغاز روند صلح
- ۵۳ اسلام منادی قراردادهای صلح بدون جنگ
- ۵۴ فرقت یار؛ دانشگاهیان و «بازسازی شهر دل» در منطقه فرهنگی نوروز
- ۵۶ آسیب‌شناسی دیپلماسی ایران در منطقه فرهنگی نوروز
- ۵۷ کنفدرالیسم نوروز: طرحی برای صلح پایدار در منطقه فرهنگی نوروز
- ۵۸ صلح عمومی در منطقه فرهنگی نوروز در گفتمان زنانه نگر
- ۵۹ نوروز و بازتعریف روابط ایران و کشورهای همسایه از طریق دیپلماسی خاطرات



نقش مطالعات ایرانی در ازبکستان در مسیر هماهنگی بین قومی

دلفوزه احمدوا^۱

چکیده

توسعه علم در جهان، نقش تعیین کننده‌ای در تغییر نیروهای مولد، روابط اجتماعی و بین ایالتی دارد. ازبکستان کشوری چندملیتی است. تضمین امنیت، هماهنگی بین قومی و بردباری مذهبی، اجرای سیاست خارجی متعادل، سودمند و متقابل - اینها جهت‌های کلیدی استراتژی اقدامات مورد تأیید برای توسعه بیشتر ازبکستان در مهر و موم‌های آتی هستند. انگیزه جدیدی به موقعیت فعلی ازبکستان در تقویت گفتگوی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با کشورهای همسایه داده شده است. تاریخ باستان و اوایل سده های میانه اقوام ایرانی از همان آغاز شکل گیری علم تاریخی مورد توجه پژوهشگران بوده است. این تاریخچه چند صدساله در آثار مکتوب متعددی که دارای مطالب ارزشمندی درباره جنبه‌های گوناگون زندگی سیاسی، اجتماعی اقتصادی، قومی و فرهنگی مردم منطقه آسیای مرکزی است، منعکس شده است.

یکی از مهم ترین منابع مکتوب تاریخ مردم ایران، «شاهنامه» فردوسی است که از سه بخش اسطوره‌ای، قهرمانی و تاریخی تشکیل شده و جنبه‌های گوناگون زندگی مردم ایران و آسیای مرکزی را در برمی گیرد. «شاهنامه» با مطالب غنی خود، گنجینه‌ای از اطلاعات ارزشمند است که نه تنها در بخش تاریخی، بلکه در بخش افسانه‌های آن این اطلاعات در دسترس است. اگرچه برخی از مطالب شاهنامه، به ویژه مطالب منعکس کننده ماهیت کلی رابطه ساسانی و احتشایی، مدت‌هاست که توسط پژوهشگران مورد استفاده قرار می‌گرفته است، اما خود منبع هنوز موضوع مطالعه جامع نبوده و تاکنون بیشتر تنها به عنوان یک اثر ادبی مورد استفاده قرار گرفته است. به ویژه، این مربوط به اطلاعات مربوط به قوم‌نگاری و فرهنگ معنوی است؛ بنابراین، مطالعه این اثر به عنوان یک اثر تاریخی، بسیار مهم و مرتبط است. با مطالعه منابع مکتوب درباره تاریخ اقوام ایرانی، دانشمندان - شرق شناسان بیشتر کار عظیمی انجام داده‌اند. با این همه، شمار قابل توجهی از منابع مکتوب هنوز نیاز به تاریخ‌نگاری، مطالعه منبع و تحقیقات روش‌شناختی خاص دارند.

مجموعه نسخه‌های خطی شرقی موسسه شرق شناسی ابوریحان بیرونی در آکادمی علوم جمهوری ازبکستان از نظر ارزش علمی یکی از غنی ترین و مشهورترین مخازن نسخه‌های خطی شرقی در جهان به شمار می رود. قدیمی ترین آثار ذخیره شده در صندوق نسخه خطی موسسه، دارای بیش از هزار سال سابقه است. آخرین آثار، مربوط به آغاز سده بیستم است. آثار گردآوری شده در مجموعه نسخه خطی به زبان های ازبکی، عربی، فارسی، تاجیکی، اردو، پشتو، آذربایجانی، ترکی، تاتاری، ترکمنی، اویغوری و دیگر زبان های مردم شرق نوشته شده است.

^۱ دانشیار دانشگاه خاورشناسی دولتی تاشکند. رایانامه: nozixodiyeva@inbox.ru



این آثار به موضوعات گوناگون تاریخ، تاریخ ادبیات، فلسفه، حقوق، نجوم، فیزیک، شیمی، پزشکی، زبان، داروسازی، جغرافیا، موسیقی، ریاضیات، کانی‌شناسی، کشاورزی، هنرهای زیبا و غیره اختصاص دارد. آن‌ها برای مطالعه تاریخ توسعه و تاریخ فرهنگی مردم آسیای مرکزی، هند، پاکستان، افغانستان، کشورهای عربی، ایران، ترکیه و دیگر کشورهای شرق، برای مطالعه روابط سیاسی، اقتصادی، دیپلماتیک و فرهنگی از اهمیت زیادی برخوردارند. میان آن‌ها، مطالعه عمیق آن ضروری شد تا این میراث فرهنگی به ملک جامعه علمی گسترده تبدیل شود.

همچنین، همه فهرست نسخه‌های خطی که در بخش شرقی کتابخانه عمومی دولتی علیشیر نوایی نگهداری می‌شود، به موسسه مطالعات شرقی تازه ایجادشده منتقل شد. صندوق نسخه‌های خطی این موسسه شامل آثار ادبی از کلاسیک‌های برجسته ادبیات شرقی یوسف خوس حاجیب، بالاسگونی، رابگوزی، رودکی، فردوسی، نظامی گنجوی، سعدی، امیرخسرو دهلوی، عبدالرحمن جامی، علیشیر نوایی، فریدالدین عطار، خادالدین عطار، میرزا عبدالک عطار بدیل، ابوعلی بن سینا، علامه زمخشری، محمود کاشگری، میرزا اولوبیک، کازیزادی مولوی، علی کوشچی، قطب‌الدین شیرازی و بسیاری دیگر در شاخه‌های گوناگون علوم طبیعی است. ترجمه و انتشار کامل شعری این شاهکار به زبان ازبکی برای استفاده از شاهنامه در شرق‌شناسی ازبک‌ها به‌عنوان منبع مکتوب تاریخ باستانی و سده‌های میانه اقوام ایرانی از اهمیت بالایی برخوردار بود. شیسلام مخمودویچ شخمادوف شرق‌شناس ایرانی ازبک، دکترای علوم فلسفی، استاد، شاعر و نویسنده است. وی یکی از مشهورترین شرق‌شناسان و ایران‌شناسان ازبکستان و یکی از درخشان‌ترین نمایندگان مکتب ایران‌شناسی در ازبکستان است. وی به‌عنوان نویسنده شماری کتاب و کتاب درسی با موضوع ایران‌شناسی به زبان ازبکی شناخته می‌شود. وی نویسنده مقالات و تک‌نگاره‌های متعددی در زمینه ایران‌شناسی و شرق‌شناسی است. او همچنین شماری از مطالعات، آثار علمی، کتاب‌های درسی زبان فارسی، ادبیات فارسی و ادبیات ایران، فرهنگ فارسی را نوشته و نویسنده حدود ۹۰ کتاب در این زمینه‌ها است. او شماری از آثار شاعرانه و ادبی از زبان فارسی را به زبان ازبکی ترجمه کرد، از جمله تألیف آثار کلاسیک معروف ادبیات فارسی تاجیکی. یکی از آثار برجسته وی، ترجمه شاهنامه فردوسی به ازبکی و چاپ آن در سه جلد (۱۹۷۵-۱۹۷۹) است. شخمودوف افزون بر ترجمه از فارسی به ازبکی، شعرهایی را از تاجیکی، ترکمنی، آذربایجانی، عربی و هندی به ازبکی ترجمه کرد. او به‌عنوان شاعر و نویسنده نگارنده شماری از آثار شاعرانه و ادبی درباره فلسفه، جامعه‌شناسی، فرهنگ و علم است. وی در سال ۱۹۷۳ برنده جایزه بین‌المللی فردوسی شد. در سال ۱۹۹۸ نشان «ال یورت خورمتی» به او اهدا شد. درباره شووینیسیم شخمادوف مطالب زیادی گفته‌شده است و خیلی بیشتر می‌توان گفت. اما امروز می‌خواهم بر نقش یکی از شاگردان شخمادوف، احمدجان کورانبکف، در توسعه ایران‌شناسی ازبک تأکید کنم. آثار استاد ما نه‌تنها در کشور ما، بلکه در خارج از کشور نیز مورد استقبال قرار می‌گیرد. به خاطر مشارکت وی در توسعه روابط بین‌المللی و علمی ازبکستان، نشان داستلیک به احمدجان کورانبکف اهدا شد. متأسفانه او اخیراً درگذشت. اما می‌توان با اطمینان قاطع گفت که آثار او برای همیشه نه‌تنها به علم ازبک، بلکه به علوم مناطق فرهنگی نوروز نیز خدمت خواهد کرد. در پایان، می‌خواهم تأکید کنم که از زمان‌های قدیم، مردم ازبک، حاکمان دوراندیش و نمایندگان جامعه روشنفکری، اهمیت ویژه‌ای به مسائل همکاری مسالمت‌آمیز با جهان خارج می‌دادند. تاریخ



مردمان کشورهای فارسی‌زبان از زمان‌های قدیم با تاریخ مردمان آسیای مرکزی ارتباط تنگاتنگی دارد، سرنوشت تاریخی هنگام ارزیابی رویدادهایی که در منطقه آسیای مرکزی بزرگ روی داده و در حال وقوع است، این امر باید مدام مورد توجه قرار گیرد، به‌ویژه اینکه مرزهای قومی و سیاسی در گذشته هرگز باهم منطبق نبوده‌اند.

واژگان کلیدی: ازبکستان، ایران، شاهنامه، آسیای مرکزی





نوروز، نماد وحدت تمدنی و هم‌گرایی منطقه‌ای

بابک ارسیا^۱

چکیده

نوروز موجب تقویت مناسبات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مردمانی میشود که آن را گرمی می‌دارند. این طبیعی است که سیاست خارجی از مرزها و کشورهای همجوار آغاز می‌شود و اگر ما در منطقه خود موفق به همگرایی و همکاری شویم، نوروز در جایگاه چند فرهنگی و چند ملیتی خود وارد فرآیندی خواهد شد که میتوان آن را فرآیند «وحدت در عین کثرت» نامید.

اگر به اهمیت نوروز از منظر جهانی به عنوان یکی از منابع مبارزه با افراط‌گرایی بین‌المللی میان کشورهای جهان نگرسته شود، بی‌تردید این جشنواره باستانی می‌تواند روند جهانی شدن فرهنگ را دست کم در بخشهایی از جهان حاکم سازد.

هدف از این پژوهش، بررسی امکان برقراری همگرایی منطقه‌ای از راه جشن باستانی نوروز می‌باشد. چارچوب نظری این پژوهش بر پایه نظریه کارکردگرایی پارسونز بوده و روش پژوهش مطالعه اسنادی می‌باشد. در این پژوهش با توجه به ظرفیت‌های نوروز در حوزه دیپلماسی فرهنگی و سیاسی، به دنبال اثبات این فرضیه هستیم که «دیپلماسی فرهنگی و سیاسی نوروز در برقراری صلح در کشورهایی که آن را پاس می‌دارند موثر است.» و به دنبال بررسی این پرسش می‌باشیم که «ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های دیپلماسی فرهنگی و نوروز در برقراری صلح و آرامش در کشورهایی که آن را پاس می‌دارند چیست؟»

واژگان کلیدی: نوروز باستانی، دیپلماسی فرهنگی، همگرایی منطقه‌ای، نظریه کارکردگرایی، جهانی شدن

فرهنگ

^۱ دکتری علوم سیاسی و استادیار جهاددانشگاهی. رایانامه: babakarsia@yahoo.com



فقدان تعلق هویتی و فرهنگ آگاهی تاریخی: دشواره صلح در منطقه نوروز

علی اشرف نظری^۱

چکیده

یکی از آسیب‌های بنیادین در نظام آموزشی عالی ایران، فقدان زمینه‌های خودآگاهی هویتی و متعاقب آن دگرآگاهی هویتی است. چنان‌که در رشته علوم سیاسی هیچ‌یک از واحدهای ارائه‌شده نسبت مستقیمی با هویت و خودآگاهی ملی و تمدنی ندارد و استادان و دانشجویان نمی‌توانند از رهگذر تدریس این دروس، به خودفهمی هویتی و دگرآگاهی تاریخی نائل شوند. در کلاس‌های رسمی در دوران دانشجویی اغلب بحثی جدی در باب جایگاه هویت و تعیین نسبت وجودی ما با جهان پیرامون ارائه نمی‌شود و با شأن نزول اغلب مفاهیم هویتی - وجودی بیگانه‌ایم. نمی‌دانیم که نسبت تاریخی فرهنگ و هویت ایرانی با فرهنگ و هویت کشورهای منطقه - نوروز چیست؟ چگونه می‌توان هویت‌های موجود را در ارتباط با خاطرات جمعی، سیاست‌های نمادین، نظام نشانه‌ها و رموزها و نمادها و زمینه‌های اجتماعی - سیاسی برای درانداختن ایده صلح منطقه‌ای تحلیل نمود؟ مسئله هویت به نحوی بغرنج و آسیب‌زا است که جایگاه نمادهای فرهنگ - تاریخی را در بسترهای تاریخی - تمدنی مشترک نمی‌دانیم و در فضای آموزشی و در کلاس‌ها، هویت‌اندیشی و به تبع آن، صلح‌اندیشی، غایب بزرگ است. در این شرایط چگونه می‌توان انتظار همگرایی و صلح داشت؟ در نتیجه، اگر نظام دانشگاهی در کشور ما چنین ایده‌ای را دنبال نکند، دچار نوعی کوری راهبردی در رابطه با مفاهیمی مانند هویت فرهنگی، منافع منطقه‌ای و زمینه‌های همبستگی - ساز در رابطه با گروه‌های هویتی حوزه ایران فرهنگی و در نتیجه، بی‌توجهی به ابعاد تحلیلی - تجویزی این مسائل در متون علمی و مراکز آموزشی می‌شود. برای شناخت بهتر هویت فرهنگی - تمدنی مشترک در منطقه نوروز، باید از سابقه زندگی، تاریخ، خاطرات، احساسات مشترک و پیوندهایی که در طول سده‌های متمادی ایجاد شده، تحلیل روشنی داشته باشیم تا بتوانیم وضعیت موجود را شناسایی کرده و عناصر اجماع ساز آن را به‌درستی بازتعریف کنیم. به‌رغم نقش قابل‌ملاحظه دولت‌ها، نباید نقش سازمان‌های غیردولتی را در تنظیم و ایجاد همگرایی و تعامل فرهنگی فراموش نمود. ایجاد سازمان‌ها و مجامع غیردولتی در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی که بتواند در چارچوب ایجاد دبیرخانه دائمی، کنفرانس‌های دوره‌ای و رایزنی‌های فرهنگی موجب نزدیکی هرچه بیشتر نخبگان و اندیشمندان شاخص حوزه ایران فرهنگی گردد. این مراکز باید به‌صورت هدفمند و برنامه‌ریزی‌شده، به تدوین شاخص‌های مشترک فرهنگی - تمدنی در حوزه ایران فرهنگی بپردازند و به تقویت تعاملات فرهنگی یاری رسانند.

واژگان کلیدی: هویت، صلح، ایران فرهنگی، نوروز، آموزش عالی.

^۱ دانشیار علوم سیاسی دانشگاه تهران. رایانامه: aashraf@ut.ac.ir



جهان‌شناسی نوروز در اوستا و مناسبات اخلاقی-سیاسی آن در زیستمان وجودی

الناز پروانه زاد

چکیده

مسئله نگارنده در این نوشتار، آسیب‌شناسی آیینی کردن و آیینی دیدن محض نوروز است که همچون چالشی جدی، فلسفه وجودی این ایام را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و از معانی مکتوم در آن می‌کاهد. این در حالی است که نوروز نه تنها تنها یک سنت فرهنگی پایدار با آورده‌های اجتماعی چندوجهی نیست، بلکه می‌تواند روشنگر مفهوم «خوبی» در «جهان آرمانی مینوی» باشد؛ چیزی که در فلسفه سیاسی کلاسیک به «امر خیر» تعبیر می‌شود و دانش سیاست را به سوی عدالت هدایت می‌کند. در این رویکرد هرمنوتیکی، نوروز تمثیل عقل سرخ سیاست است که با تجلی در ابتدای هر سال، می‌تواند امر سیاسی را در کشورهایی که نوروز را می‌شناسند و گرمی می‌دارند، به آفرینشی نو در انجام عمل سیاسی راستین و شکوفایی در امر حکمرانی برساند. بر این پایه، پرسش اصلی ما این است که چگونه می‌توان از ماهیت و مفهوم نوروز به ترویج صلح بینا انسانی و اخلاق سیاسی رسید؟ فرضیه مقاله حاضر این است که با جستجوی نیکی و شکوفایی در ساحت نوروز و با ارجاع امر سیاسی به عدل و اعتدال، می‌توان بخش‌های مهمی از «امر خیر» را در منظومه زیست «انسان اجتماعی» بازخوانی کرد و به تأسی از اورمزد که خالق نوروز است و جز به عدالت حکم نمی‌دهد، «خیر عمومی» را در کانون اعتدال نشاند و اگزیستانس انسان را به آگاهی، آزادی و مسئولیت‌پذیری [وجودی] در رفتار ارجاع داد. در این ارجاع، آدمی می‌تواند سرنوشت خویش را بسازد و با شکوفایی عقل عملی، زندگی اجتماعی و زیست سیاسی‌اش را به تکامل و ثمردهی زمان‌مند و مکان‌مند ارتقا دهد.

واژگان کلیدی: نوروز، اوستا، هرمنوتیک، امر سیاسی، تعاملات بینا انسانی.

^۱ استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه بجنورد. رایانامه: eparvanezad@ub.ac.ir



هنر، زبان گفتگوی تفاهمی میان جوامع یک حوزه تمدنی مطالعه موردی نشانگان آیینی در میان اقوام منطقه جنوب غربی آسیا

مریم پیکری علمداری^۱

چکیده

مطالعه تاریخ نشان‌دهنده آن است که اغلب جوامع چندفرهنگی که در آن‌ها منازعه به صورت مستمر در جریان بوده است، کمتر توان گفتگو بر روی مشترکات هویتی خود را داشته‌اند. عدم گفتگو بر روی مفاهیمی که در طول تاریخ بر روی آن‌ها توافق صورت گرفته، سبب می‌شود تا منازعه میان هویت‌های متکثر شکل گرفته و سپس جنگ درگیرد. به این ترتیب، پایان گفتگو بر روی مشترکات هویتی، آغاز جنگ را نوید می‌دهد. البته مطالعات گویای آن است که استثنایی می‌توان بر این قاعده افزود و آن این‌که تأکید بر نشانگان هویتی، از جمله نشانگان آیینی در میان جوامعی که دارای سوابق هنجاری، ارزش‌ها و... هستند، می‌تواند پایان گفتگو را به سوی هنر سوق داده و هنر به مثابه زبانی نشانگانی به تفاهم میان اقوام و جوامع یاری رساند. جوامع منطقه خاورمیانه از این قاعده مستثنا نیستند و به دلیل حضور اقوام و مذاهبی که دارای مشترکات تاریخی فراوانی هستند، می‌توان از زبان هنری به عنوان زبانی قابل درک و فهم نزد تمامی مردمان این منطقه یاد کرد. اقوام کرد، لر، ترک، عرب و... در کنار مذاهب برآمده از ادیان ابراهیمی در میان مرزهای سیاسی عصر جدید حضور دارند و دارای مشترکات هویتی هستند که می‌تواند مبانی گفتگوی آن‌ها باشد، اما تا به امروز مصائبی در مسیر این گفتگو سد راه تحقق اهداف صلح‌آمیز و نوع‌دوستانه سیاستمداران شده است. با اینهمه، هنرمندان تمامی این جوامع همواره تا به امروز با زبان هنر و تکیه بر نشانگان مشترک میان خود، توانسته‌اند گفتگویی معنادار و تفاهمی میان خود برقرار سازند و به نظر می‌رسد که این دستاورد آن‌ها قابل تسری به سطح سیاست نیز هست. چنان‌که در اعیاد، مناسبت‌ها و مناسک تاریخی، دینی و... گفتگویی صلح‌آمیز و نوع‌دوستانه میان جوامع فرو ملی و فراملی رخ می‌دهد. بررسی تطبیقی نشانگان آیینی جوامع خاورمیانه و درک سازوکار مفاهمه‌ای این نشانگان می‌تواند بر روند صلح میان کشورهای جنوب غربی آسیا تأثیر معناداری بگذارد.

واژگان کلیدی: هنر، صلح، آیین و رسوم کهن، قومیت‌ها، خاورمیانه

^۱ دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد رشته نقاشی، دانشگاه الزهراء، تهران. رایانامه: maryampeikarialamdari@gmail.com



دانشگاهیان ایران و رویکرد تمدنی در دیپلماسی عمومی نسبت به منطقه فرهنگی نوروز

محمدجعفر جوادی ارجمند^۱

نوذر خلیل طهماسبی^۲

چکیده

منطقه فرهنگی نوروز در یک گستره تمدنی قرار گرفته است؛ گستره‌ای که حکایت از تجارب و اشتراکات فرهنگی، ادبی و تاریخی ژرفی دارد. دولت‌های این منطقه علی‌رغم تفاوت در ساختار سیاسی و اجتماعی و رویکردهای گوناگون در روابط خارجی، در یک چارچوب گسترده فرهنگی مشترک هستند. مبنا یا پیش‌ران فرهنگ مشترک این منطقه مفهوم تمدن و دولت تمدنی است. این پژوهش با در نظر گرفتن تمدن به منزله مبناي تحلیل، به نقش تمدن و فرهنگ در سیاست خارجی ایران نسبت به منطقه مورد نظر می‌پردازد. پژوهش حاضر با در پیش گرفتن روش تحلیلی، این پرسش را مطرح می‌کند که دانشگاهیان در ایران چگونه می‌توانند با رویکرد تمدنی و فرهنگی در دیپلماسی عمومی نقش ایفا کنند؟ بر این پایه، با توجه به جایگاه تمدن و گستره فرهنگی و تاریخی یا منطقه فرهنگی نوروز، این مسئله مورد تأمل قرار می‌گیرد که دانشگاهیان و نخبگان فکری در ایران با در نظر گرفتن منزلت دولت تمدنی و تجارب و اشتراکات فرهنگی می‌توانند در دیپلماسی عمومی اثرگذار باشند؛ تأثیری که می‌تواند به اعتلای سیاست خارجی ایران در منطقه فرهنگی نوروز کمک کند. در حقیقت، مبنا قرار دادن دولت تمدنی از سوی دانشگاهیان و التفات به فرهنگ و تمدن، فرصت‌های مهمی را برای سیاست خارجی ایران فراهم می‌سازد.

واژگان کلیدی: ایران، تمدن، دولت تمدنی، منطقه فرهنگی نوروز، دیپلماسی عمومی.

^۱ دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه تهران. رایانامه: mjjavad@ut.ac.ir

^۲ دکترای علوم سیاسی از دانشگاه تهران.



دیپلماسی نوروزی؛ مجال برای بازاندیشی روند صلح

ندا حاجی‌وثوق^۱

چکیده

دیپلماسی نوروزی محملی است برای تبیین اشتراکات، تبادلات فرهنگی و تقویت تفاهم و تعامل میان حوزه فرهنگی نوروز؛ این حوزه تمدنی با درهم‌تنیدگی‌های فرهنگی و تاریخی می‌تواند پتانسیل همگرایی و ابزاری تعاملی برای دیپلماسی فرهنگی کشورها باشد. از جمله نتایج این امر نرم، افزایش صلح و ارتباطات مسالمت‌آمیز در عرصه‌های گوناگون است؛ چراکه اکثر نظریه‌پردازان بر این باورند که فرهنگ و ابزارهای فرهنگی به‌راحتی در لایه‌های زیرین جامعه نفوذ می‌کند و اثرات ماندایی دارند. از این رو، دیپلماسی نوروزی با ترویج ارزش‌ها و منافع مشترک فرهنگی می‌تواند فتح بایی برای تعاملات میان کشورها در عرصه‌های گوناگون باشد که این امر در روند صلح، نقش بسزایی دارد.

نوشتار کنونی بر پایه نظریه نوکارکردگرایی و تکیه بر نظریات اندیشمندانی چون ارنست هاس، در پی آن است که دریابد دیپلماسی نوروزی چه تأثیری بر روند صلح در حوزه تمدنی نوروز دارد؟ فرض نویسنده بر این است که دیپلماسی نوروزی در گام نخست باعث تقویت همکاری‌های فرهنگی و در گام‌های بعدی سبب‌ساز تعاملات سیاسی و اقتصادی می‌شود که ماحصل آن، برقراری صلح در این حوزه تمدنی است. از این رو، دیپلماسی نوروزی فرصتی برای بازاندیشی در روند صلح در کشورهای حوزه تمدنی نوروز است. پژوهش حاضر از نوع کیفی و اسنادی است و گردآوری داده‌ها به شیوه فیش‌برداری از اسناد، کتب، مقالات و سایت‌های اینترنتی صورت گرفته و کوشش شده در تحلیل داده‌ها از آمارهای موجود بهره‌برداری شود.

واژگان کلیدی: دیپلماسی فرهنگی، نوروز، صلح، تعاملات تمدنی، نوکارکردگرایی

^۱ دکترای علوم سیاسی، مدرس و دبیر کمیته زنان و صلح انجمن علمی مطالعات صلح ایران.
رایانامه: vosough62@gmail.com



جایگاه مطالعات صلح در آموزش عالی کشورهای منطقه فرهنگی نوروز مطالعه موردی (افغانستان)

اسدالله حبیب زاده^۱

چکیده

صلح و امنیت از جمله نیازهای فطری بشری بوده، متضمن رشد و توسعه پایدار در جامعه است. دوام جنگ در کشور افغانستان، صلح را پدیده یا تحولی دست‌نیافتنی ساخته است. نابسامانی اجتماعی زاده جنگ مداوم آسیب‌های زیاد به مردم رسانده است. بر همین مبنا، عدم ثبات دائمی، فرایند مردم‌سالاری و حکومت‌داری خوب را نیز با چالش جدی روبرو ساخته، مجال توسعه زیربنای اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی را از مردم افغانستان گرفته است. در بیست سال پسین، هرچند که مردم افغانستان توانسته‌اند چندین انتخابات را با همه حاشیه‌هایش برگزار نمایند و برای نخستین بار انتقال مسالمت‌آمیز قدرت را شاهد باشند، اما هنوز در گوشه و کنار این کشور بحران جنگ ادامه دارد. برای بیرون رفت از این وضعیت بغرنج، نیاز است که جایگاه و اهمیت صلح در سیستم آموزش عالی افغانستان معرفی و نهادینه گردد. برای قطع جنگ و بازگشت به وضعیت عادی، جامعه به فرایند مصالحه نیازمند است و مصالحه به فرایندی گفته می‌شود که با آن منازعه مهار می‌شود و مصالحه در یک‌روند آموزشی، آسان‌تر و ارزان‌تر به دست می‌آید و نهادهای تحصیلات عالی رسالت و مسؤولیت دارند تا در اعمار صلح و صلح‌سازی نقش اساسی را داشته باشند.

از این رو، پرسش اصلی در این پژوهش این خواهد بود که نقش دانشگاه‌ها در توسعه پایدار و ایجاد صلح در وضعیت کنونی افغانستان چگونه خواهد بود؟ در این پژوهش نشان داده می‌شود که تحصیلات عالی نقش مهم و اساسی در مؤلفه کلیدی توسعه سیاسی، یعنی مردم، حکومت و جامعه مدنی ایفا می‌کند و به‌خوبی می‌تواند دستیابی به توسعه سیاسی پایدار را در جامعه تسهیل و تضمین نماید. نوع پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده با توجه به موضوع مطالعه، گردآوری اطلاعات بیشتر به روش کتابخانه‌ای و اینترنتی صورت گرفته و یافته‌های پژوهش نیز به شیوه کیفی تجزیه و تحلیل خواهد شد. با توجه به شرایط حساس کنونی در افغانستان، واکاوی نقش دانشگاه‌ها در تحکیم صلح در این کشور یکی از اهداف مهم این تحقیق به شمار می‌آید و نتایجی هم که به همراه خواهد داشت، می‌تواند در توسعه و صلح پایدار افغانستان بسیار مفید و ارزنده تلقی گردد.

واژگان کلیدی: توسعه پایدار، صلح، افغانستان، حکومت‌داری خوب، مردم‌سالاری

^۱ هیئت علمی و مدیر همکاری‌های علمی و بین‌المللی دانشگاه غالب، ولایت هرات افغانستان.
رایانامه: asadhabibzada@gmail.com



توسعه تمایلات پایدار وحدت میان ملت‌ها

محبت حبیبوا^۱

چکیده

روشن است که روابط بین قومی تعامل ملت‌ها، مردم، گروه‌های قومی و روابط میان فردی گروه‌های قومی گوناگون به دو شکل وجود دارد. ساختاری از نظر اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و بر این پایه، با حوزه‌های زندگی اجتماعی مطابقت دارد و خود را در قالب روابط معنوی نشان می‌دهد. امروزه همبستگی میان ملل گوناگون به‌طور پیوسته در حال توسعه است؛ بنابراین، تحمل به‌عنوان یک ارزش منحصربه‌فرد، قوی‌تر می‌شود. اکنون در مقیاس جهانی درک هویت ملل، حفظ منافع، آداب و رسوم، سنت‌ها و ارزش‌های آن‌ها را حفظ کرده و در میان مردم جهان رواج دهد. جمهوری متعهد به حمایت از حقوق و آزادی‌های ملت‌ها و مردم است.

اجرای توافقات بین‌المللی و حقوق واحدهای قومی در عرصه بین‌المللی همچنین در توسعه اصول عرضه مشارکت فعال دارد. به‌ویژه ازبکستان میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی میثاق بین‌المللی حقوق بشر، حذف همه انواع تبعیض نژادی کنوانسیون بین‌المللی پیشگیری و مجازات جنایت نسل‌کشی، کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، اعلامیه حقوق افراد محدوده اقدامات در این جهت را تعیین می‌کند. به اصول گفته شده در بالا همه شهروندان ما، صرف‌نظر از ملیت، به دلیل یک سیاست مستدل و سازمان‌دهی شده عاقلانه، مشارکت فعال در زندگی اجتماعی، سیاسی، معنوی جامعه ما، استقلال ما مؤثر در راه تحکیم تهیه کرده‌اند. آن‌ها ازبکستان را وطن خود می‌دانند. پیوند سرنوشت‌ها با سرنوشت ازبکستان، توسعه فرهنگ‌های ملی در ازبکستان که به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از توسعه در نظر گرفته می‌شوند و در کار فداکارانه و زندگی اجتماعی فعال هستند. با عنوان قهرمان ازبکستان از جمله برندگان ازبک‌ها و قره‌قالپاق‌ها و همچنین روس‌ها، تاجیک‌ها، اوکراینی‌ها، قزاق‌ها و دیگران هستند.

حضور هم‌وطنان ملیت‌های دیگر و نیروی کار آن‌ها زیاد است و یک نشانه درخشان از ارزش آن است. به‌طور ویژه، سیاستی که در کشور ما دنبال می‌شود، اول از همه، هماهنگی ملی و با هدف تضمین ثبات به همین دلیل است که بین ملت‌ها دوستی و برادری وجود دارد. گسترش روابط، توسعه بیشتر صلح و هماهنگی بین ملت‌ها، ملی احترام به ارزش‌ها، منظم بودن زبان، آداب‌ورسوم و رسوم هر ملت توصیه می‌شود این کار را انجام دهید. ابونصر فارابی متفکر بزرگ در کتاب معروف خود شهر مردم نجیب می‌نویسد: «اتحاد مردم تنها از طریق آن انسان می‌تواند به بلوغ موردنظر خود برسد. چنین اعضای جامعه فعالیت به‌طور کلی برای زندگی و بلوغ هر یک از آن‌ها ضروری بود. چیزها را تحویل می‌دهد...». چنین همبستگی کلید صلح و هماهنگی در جامعه است و تضمین محکمی برای توسعه ارائه می‌دهد. مدارا و همبستگی در زمان حال ایده همکاری همه اقشار جامعه، گروه‌های

^۱ دانشیار دانشگاه دولتی خاورشناسی تاشکند، ازبکستان. رایانامه: habibovamuhabbat9@gmail.com



اجتماعی و ملت‌ها در مسیر خیر است و عامل مهمی در تقویت صلح و ثبات در کشور است. محاسبه می‌شود امروزه اکثر کشورهای جهان چند قومی و چند فرهنگی هستند. امروزه جامعه جهانی در همه زمینه‌های زندگی فراوان است. زن امانت و حمایت خانواده و جامعه است. تغییرات چندوجهی در حال وقوع است که به نوبه خود نیز خواهد بود. نیاز به یک رویکرد جدید برای تشکیل حرفه‌ای دارد. اهداف آموزش و پرورش در کشور ما، مانند دیگر نقاط جهان تغییرات در زمینه ورود انسان به جهان اجتماعی در راستای مسائل جهانی به ویژه آموزش و پرورش رویکرد شایسته آموزش در اسناد بهبود سیستم در حال انجام است. برای پیاده‌سازی رویکرد شایسته در سیستم آموزشی توانایی به کارگیری شایستگی‌های اصلی در زندگی واقعی و تمرین حرفه‌ای آموزش کارکنان در زمینه فناوری اطلاعات و بازآموزی مورد نیاز است. اصلاح نظام آموزش مداوم در کشور ما، یعنی آموزش و پرورش، برای سازمان‌دهی مجدد فرایند آموزش و پرورش بر اساس استانداردها به فعالیت معلم در زمانی که مهارت‌های آموزشی او در حال معرفی بود توجه ویژه‌ای صورت می‌گیرد، زیرا فقط معلم مربی سازنده نسلی است که هماهنگ توسعه یافته است. همچنین باید اذعان داشت که نقش و جایگاه دانشمندان و زنان باهوش در دستیابی به صلح و هماهنگی بین‌المللی بسیار مهم است.

واژگان کلیدی: آموزش و پرورش، وحدت قومی، زنان، همبستگی اجتماعی





شرط امکان دوام دوستی و مهر در اقلیم فرهنگی نوروز از منظر حافظ

احمدعلی حیدری^۱
علی عزیزیان^۲

چکیده

از دم صبح ازل تا آخر شام ابد * دوستی و مهر بر یک عهد و یک میثاق بود

حافظ در غزل ۲۰۶ به شرایط امکان دوام و برقراری دوستی و مهر میان ملل اشاره می‌کند. منطقه فرهنگی نوروز از این سعادت بزرگ برخوردار است که بهره‌مند از زبان مشترک فارسی، می‌تواند راهش را به‌جانب مبادی وجودی این زبان بدون وسائط دیرپاب زبان‌شناختی و مفهومی بگشاید. حافظ در این غزل زیبا به روزگاری در بُن تاریخ وجودی این ملل اشاره می‌کند که اندیشه وجود «محمل عشاق» را در وحدتی عمیق و پایدار رونق می‌بخشید و جمله باشندگان این اقلیم فرهنگی از منظر «ابروی جانان» به عالم می‌نگریستند.

اینک شاید مردمان این خطه از یاد برده‌اند که وجوه مضیق ناظر به زیست سیاسی، اجتماعی و روابط بین‌المللی هر یک از این مناطق، صرفاً شئون ثانوی و متأخری هستند که برآمده از شرایط تاریخی زیست دنیوی آن‌ها است. حافظ یادآور می‌شود که در تراز فرهنگی زبان و ادب فارسی این تمایزها را می‌توان با رجوع به ریشه‌ها و اصول زیست مینوی، به سکویی برای مصالحه و دوستی بدل کرد. در تعبیر زیبای حافظ، بازگشت به «شب قدر» مردمان این اقلیم فرهنگی، زمینه‌ساز بازسازی بنای باشکوه عشق و دوستی می‌گردد. آن‌گونه که ملل اروپایی با رجوع به سابقه یونانی-رومی-مسیحی خود می‌توانند وحدتی را در روزگار واگرایی ملل شکل دهند، باشندگان منطقه فرهنگی نوروز نیز می‌توانند با تکیه بر میراث معنوی و وجودی زبان فارسی که صورت تجسم یافته آن در بزرگانی مانند حافظ انعکاس یافته، روندگان چنین راهی باشند.

واژگان کلیدی: حافظ، دوستی و مهر، میراث وجودی، زبان فارسی

^۱ هیئت علمی گروه فلسفه دانشگاه علامه طباطبائی، رایانامه: aah1342@yahoo.de

^۲ دانش آموخته فلسفه دانشگاه علامه طباطبائی



«تحمل مذهبی» رمز صلحی بین المللی است.

ناظیمه خدایوا^۱

چکیده

«تحمل» فضیلت اسلامی واقعی مردم از یک است. آن ناشی از صداقت، ارتباط صمیمی و وجدان و ایمان می‌شود. این نه تنها یک وظیفه اخلاقی، بلکه یک ضرورت سیاسی و قانونی هم است. استراتژی اقدام برای پنج حوزه اولویت توسعه جمهوری ازبکستان برای سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۲۱ توجه ویژه‌ای به تضمین هماهنگی میان قومی و تحمل مذهبی، توسعه امنیت، ثبات و همسایگی خوب، تقویت اعتبار بین‌المللی کشور دارد و بنابراین یک مرحله جدیدی در توسعه روابط بین قومی شروع شد.

رهبری دولت ما شرایط لازم را برای همه شهروندان ایجاد می‌کند تا آن‌ها مراسم مذهبی و عبادت خود را با خیال راحت انجام دهند. تحمل در قرآن، پایه و اساس دین ما، نیز به‌طور گسترده ترویج شده است. در بسیاری از احادیث پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) از رفتار خوب با غیرمسلمانان حمایت می‌کرد. برای نمونه، حدیث «هر کس درختی بکارد و آن را خواه حیوان باشد، خواه پرنده باشد یا حشره باشد یا انسان باشد بخورد، کسی که آن را کاشت پاداش می‌گیرد».

مسلمانان کشور ما به این سنت‌ها وفادار هستند و سهم بزرگی در هماهنگی مذهبی و ملی دارند. نمایندگان ادیان مختلف در کشور ما برای یک هدف مشترک - سعادت بیشتر سرزمین مادری ما ازبکستان - متحد می‌شوند. وقتی فضیلت مدارا را در دین خود مطالعه می‌کنیم، می‌بینیم که در واقع به اخلاق مربوط می‌شود. اما چرا برادران مسلمان امروز در حال جنگ با یکدیگر هستند؟ پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) دستور داد با همه انسان‌ها خوب رفتار شود. بنابراین، اصل دین ما این است که به نسل بشر عشق بورزیم.

تحمل مردم ما نیز ریشه‌های باستانی دارد. تقویت فرهنگ مدارا و انسانیت در کشور ما، تضمین هماهنگی بین قومی و بین ادیان، هماهنگی مدنی، تقویت روابط دوستانه و برابر با کشورهای خارجی، از اولویت‌های سیاست دولت است. بنابراین، تحمل مردم ما به‌عنوان یک عامل کلیدی در تضمین ثبات سیاسی و هماهنگی بین قومی، ایجاد احساس وحدت بین شهروندان ما و ایجاد حس تعلق، به آینده کشور کمک می‌کند. مدارای مذهبی همیشه به‌عنوان سپری در برابر دشمنی در زمینه‌های مذهبی عمل کرده است. آن راهی را برای همزیستی ادیان گوناگون در زمان و مکان یکسان، برای ایجاد همکاری و همبستگی متقابل باز کرد. این به‌نوبه خود به صلح و توسعه کشور، توسعه گسترده فرهنگ جهانی و معنویت کمک می‌کرد.

متأسفانه، همه ما می‌شنویم و می‌بینیم که در برخی کشورها، بروز درگیری‌ها در روابط ملی و قومی به اشکال گوناگون منجر می‌شود. از میان بردن چنین تهدیدها یکی از وظایف مهم ماست. برای اینکه کشور

^۱ دانشیار دانشگاه دولتی خاورشناسی تاشکند، ازبکستان. رایانامه: nozixodiyeva@inbox.ru



صلح‌آمیز باشد و ملل گوناگون باهم هماهنگ زندگی کنند، اول‌ازهمه باید در روابط بین قومی، عدم ترجیح یک ملت بر ملت دیگر را رعایت کرد.

در حال حاضر، بیش از ۱۳۰ ملیت و گروه قومی در کشور ما به‌عنوان فرزندان یک خانواده در شرایط برابری و درک متقابل زندگی می‌کنند. همه شرایط لازم برای اطمینان از حقوق و آزادی‌ها، علایق، تحصیلات، حرفه، حفظ و توسعه سنت‌ها و ارزش‌ها برای آن‌ها ایجاد شده است. در نتیجه چنین توجهی، میراث غنی تاریخی و فرهنگی مردم چندملیتی ما بازسازی و ارزش‌گذاری شده است.

یکی از عواملی که منجر به نقض برابری و تناقضات در تاریخ بشریت شده است، نگرش مردم ادیان گوناگون نسبت به ادیان دیگر بر پایه تفاوت‌های مذهبی، احساس حزبی بودن، نگاه متفاوت به مردم دیگر ادیان است. در نتیجه چنین دیدگاه‌هایی، امروزه در کشورهای گوناگون جهان درگیری‌ها و تضادهای مختلفی به وجود می‌آید. تحمل مذهبی در جلوگیری از این حوادث بسیار مهم است. در طول سال‌های استقلال، توجه جدی به تقویت احترام متقابل، برابری و همبستگی میان اقوام گوناگون ساکن در کشور ما و ایجاد زمینه‌های قانونی آن مورد توجه قرار گرفته است. این اصول به‌طور واضح و محکم در قانون اساسی ازبکستان و کلیه قوانین ما قید شده است. به‌طور خاص، ماده ۴ قانون اساسی تأکید می‌کند که دولت ازبکستان باید احترام به زبان‌ها، رسوم و سنت‌های همه ملت‌ها و مردمان ساکن در قلمرو خود را تضمین کرده و شرایطی را برای توسعه آن‌ها ایجاد کند. اصل ۱۸ قانون اساسی تصریح می‌کند که همه شهروندان کشور ما بدون در نظر گرفتن جنسیت، نژاد، ملیت، زبان، دین، منشأ اجتماعی، اعتقادات، موقعیت شخصی و اجتماعی دارای حقوق و آزادی‌های یکسان، برابر قانون هستند. ما به‌خوبی می‌دانیم که سرزمین مادری ما در مرکز جاده بزرگ ابریشم واقع شده است که به‌منظور بهبود روابط فرهنگی و تجاری بین‌قاره‌ای انجام می‌شود. در اینجا سنت‌ها و آداب‌ورسوم ملی مردم مختلف در هماهنگی متقابل توسعه یافته است. این بدان معناست که ریشه‌های تحمل ازبک ما به دوران باستان برمی‌گردد و ما همیشه نمونه‌ای برای جهان بوده‌ایم. مردم ما به نمایندگان بسیاری از ملت‌هایی که در دوران اتحاد جماهیر شوروی مورد سرکوب و آزار و اذیت قرار گرفته بودند پناه دادند و در زمان‌های سخت یک نان با آن‌ها تقسیم کردند. در نتیجه، کره‌ای‌ها، آلمانی‌ها، لهستانی‌ها، یونانی‌ها، تاتارهای کریمه، ترک‌ها، تاجیک‌ها، افغان‌ها و بسیاری از ملیت‌های دیگر در ازبکستان مستقر شدند. فرزندان آن‌ها در این سرزمین متولد و بزرگ شدند.

در حال حاضر مرکز فرهنگی بین‌المللی در کشور ما فعالیت می‌کند. لازم به ذکر است که وظیفه اصلی امروزه این مرکز، بیشتر بهبود کردن روابط بین قومی، ترویج حفظ سنت‌ها و رسوم ملی و معنوی ملیت‌های گوناگون در کشور ما، پشتیبانی از ابتکارات با هدف ایجاد اصول مدارا است. مراکز ملی-فرهنگی ملل گوناگون در شماری از شهرها و مناطق کشور بر پا شده است. این مراکز به خانه دوستی بی‌نظیری برای کودکان ملیت‌های گوناگون تبدیل شده است. برنامه‌های درسی در مؤسسات آموزشی کشور به زبان‌های ازبکی، قره‌قالپاق، روسی، تاجیکی، قزاقستانی، ترکمنی، قرقیزستانی و دیگر اقوام برادر انجام می‌شود. رادیو و تلویزیون برنامه‌های خود را به چندین زبان پخش می‌کند. روزنامه‌ها و مجلات نیز به بیش از ۱۰ زبان منتشر می‌شوند. به‌طور طبیعی، نمایندگان ملیت‌های گوناگون در پاسخ به مراقبت‌های منحصربه‌فردی که به آن‌ها ارائه می‌شود، فعالانه و آزادانه در مدیریت دولتی، زندگی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شرکت می‌کنند. در شرایطی که روابط ملی و قومی در



جهان پیچیده تر می شود و حتی در پیشرفته ترین کشورها مواردی از تبعیض، تحقیر و سرکوب اقلیت ها مشاهده می شود، مسئله هماهنگی و همکاری مذهبی یکی از مهم ترین مسائل است.

این واقعیت که افراد با ادیان مختلف در جامعه ای بر پایه اصول مدارا، همکاری بین ادیان، صلح و برابری زندگی می کنند، در درجه اول به افرادی بستگی دارد که گل آن جامعه هستند. بنابراین، اجازه دهید هر یک از ما در تصمیم گیری در مورد ویژگی های اصیل در جامعه مانند احترام متقابل، مهربانی و مدارا، به تداوم ارزش های ملی و جهانی خود که از اجداد ما به ارث رسیده است، کمک کنیم.

واژگان کلیدی: تحمل، اقوام، ازبکستان، همگرایی فرهنگی





نقش پیک های نوروزی و صلح در جامعه

میثم صادقی^۱، صبا قندهاری^۲ و محبوبه خراسانی^۳

چکیده

در گذشته آیین‌ها نقش مهمی در چگونگی روابط فردی و اجتماعی افراد یک جامعه داشتند؛ اما امروزه این آیین‌ها و باورهای کهن در زندگی روزمره کم‌رنگ شده‌اند. مفاهیمی چون صلح، همبستگی، همدلی و اتحاد، ارزش‌هایی جهان‌شمول هستند که در آیین‌ها و اساطیر ملل گوناگون به چشم می‌خورند. نوروز نیز دیرینه‌ترین آیین ایرانی است که در سراسر قلمرو ایران فرهنگی حاضر است. از طرفی قدمت و تاریخ پیدایش این جشن باستانی مشخص نیست؛ اما بررسی منابع کهن نشان‌دهنده ارتباط نوروز با اساطیر است. در روزهای پایانی سال و چند روز مانده به نوروز، دسته‌هایی از هنرمندان مردمی به‌عنوان پیغام‌آور بهار و عید نوروز در خیابان‌ها و کوچه‌ها به در خانه‌ها و مغازه‌ها می‌روند و با شادمانی، آوازخوانی و نمایش، مژده آمدن بهار و رفتن زمستان را می‌دهند، مردم نیز آمدن آن‌ها را به فال نیک گرفته و از این پیک‌های نوروزی استقبال می‌کنند. از دیرباز راه افتادن پیک‌های نوروزی و استقبال از فرارسیدن سال نو در ایران رایج بوده است. پیک‌های نوروزی و کارکردهای آن‌ها در ایران بسیار متنوع بوده و شباهت‌ها و تفاوت‌هایی میان این رسم‌ها دیده می‌شود.

پیک‌های نوروزی از جمله آتش‌افروزها، میر نوروزی، آیین کوسه‌گلین و غول بیابانی ارتباطی مستقیم با آیین‌های صلح‌آفرین دارند و همچنین باعث گسترش فرهنگ دوستی می‌شوند. این آیین‌ها علاوه بر بازتاب رابطه انسان و طبیعت، بیانگر رابطه انسان‌ها با یکدیگر نیز هستند و این تنها ویژه سرزمین ایران نیست، بلکه در دیگر کشورها، به‌ویژه در منطقه فرهنگی نوروز نیز استقبال از بهار و برگزاری مراسم نوروزی رایج است. در ابعاد عملی و احیای سنت‌های صلح‌آفرین نوروزی، نشست‌های حضوری و مجازی انجمن‌های علمی دانشجویی با این رویکرد می‌تواند به گسترش آیین‌های نوروزی، کمک شایانی کند و باعث شناخت هرچه بیشتر این آیین در منطقه فرهنگی نوروز شود. دقت در خویشکاری‌های مشابه در آیین‌های نوروزی نشان می‌دهد که یکی از اصلی‌ترین کارکردهای آن‌ها، برقراری صلح و همدلی است و ما در این مقاله با بررسی چند آیین نوروزی، به چگونگی ارتباط این آیین‌ها با مفهوم صلح و همبستگی می‌پردازیم تا زمینه‌ای شود برای ایجاد صلح، آشتی، دوستی و همزیستی مسالمت‌آمیز میان مردم ایران زمین و دیگر کشورهای منطقه فرهنگی نوروز.

واژگان کلیدی: پیک‌های نوروز، صلح، آتش‌افروز، میر نوروزی، کوسه‌گلین، غول بیابانی.

^۱ دانشجوی کارشناسی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی نجف‌آباد. رایانامه: 2002meysam@gmail.com
^۲ دانشجوی کارشناسی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی نجف‌آباد. رایانامه: saba.ghandhari.81@gmail.com
^۳ دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی نجف‌آباد. رایانامه: najafdan@gmail.com



نوروز، نمک سیاست خارجی است!

محسن خلیلی^۱

چکیده

کشاندن پای نوروز به فراخنای سیاست خارجی، بسی سخت است و دشوار؛ دست‌افشانی و پای‌کوبانی و خوش‌نوشی و خوش‌خواری، چیزی است و نوروز را کشان‌کشان، به‌قصد در آغوش سیاست خارجی انداختن، چیز دیگر. سخن‌گفتن از نوروز، دیرپا بوده است و بسیار زیبا بوده است؛ اما گفتن و شنودن سخن نو درباره نوروز، سخت دشوار شده است. گرچه بسیاری از «تکرار» ها، ملال‌آور شده‌اند و اسباب مضحکه‌اند؛ اما؛ واگویی و بازگویی چندین‌وچندباره نوروز، سخنی نیست که ملال‌افزون کند. شاید که به‌گاه شست‌وشوی تابستان و جاروکردن پاییز و پاروکردن زمستان، بدین نیت که همیشه، نوروز باشد و بهار، روح و قلم دست‌دردستِ همدگر، اوج گیرند و به گل، حکم شکفتن دهند؛ اما به‌گاه آمیختن نوروز و سیاست (و از آمیخته آن‌ها، از قدرت نرم نوروز و از دیپلماسی فرهنگی نوروز‌پایه و از حوزه تمدنی نوروز و از سیاست خارجی نوروز‌گرا، سخن‌به‌میان آوردن) هم روح، آزرده می‌گردد و هم قلم درمی‌ماند که دو جنسِ ناجور را (که یکی، پرنیانی است و زعفرانی؛ و دیگری، آهنِ آبدادهٔ یمانی است) چگونه می‌توان درآمیخت و بدان درآویخت و گمان برد که طرحی نو درافکنده شده است.

سیاست خارجی را، معاهده و جنگ و صلح و سفارت و سفیر و عنصر نامطلوب و ویزا و کاردار و محیط بین‌المللی و استراتژی و منافع ملی و دیپلماسی و استقلال و تمامیت ارضی و پرستیژ و ... دانسته‌اند و مجموعه اهداف و جهت‌گیری‌ها و روش‌ها و ابزارهایی نامیده‌اند که یک حکومت در برابر دیگر حکومت‌ها، به‌منظور دستیابی به منافع ملی دنبال می‌کند. نوروز را در سیاست خارجی، وقتی نوبت فرامی‌رسد که گره‌های ناگشوده امنیت و تجارت و نظامی‌گری و اقتصاد و جنگ و جهانی‌شدن و تروریسم و ... گشوده گردند. نوروز، غذا نیست؛ اما نمکِ غذا تواند بود؛ زان سبب که: «با این همه غم، در خانه دل، اندکی شادی باید که گاه نوروز است».

واژگان کلیدی: نوروز، صلح، سیاست خارجی.

^۱ استاد علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد. رایانامه: khalilim@um.ac.ir



حاکمیت قانون به مثابه صلح در خاورمیانه

مطالعه موردی؛ نسبت‌سنجی نوسانات شاخص‌های حاکمیت قانون با روند صلح در خاورمیانه

شهاب دلیلی^۱

چکیده

بخش اعظم نبود صلح در مناطق پُرمناقشه جهان امروز را می‌توان در مطلوبیت کارکردها و کارآمدی حکمرانی جستجو کرد؛ مؤلفه‌ای که در نظام‌های سیاسی خاورمیانه فرازوفرودهای معناداری دارد. بر اساس مطالعات نظری صورت گرفته یک وضعیت صلح‌آمیز نیازمند برقراری حاکمیت قانون است و هر چه شاخص‌های عینی این مؤلفه روندی افزایشی داشته باشند، شاهد برقراری یک وضعیت عادلانه در میان اقلیت‌ها و اکثریت آن جوامع هستیم. مطالعات همچنین گویای آن هستند که حاکمیت قانون در یک حکمرانی خوب شامل «محدودیت بروی قدرت‌های حکومت^۲»، «عدم فساد^۳»، «حکومت باز^۴»، «حقوق بنیادی^۵»، «نظم و امنیت^۶»، «اجرای مقررات^۷»، «عدالت مدنی^۸» و «عدالت کیفری^۹» می‌باشد که با زیرشاخه‌های آن، قابل‌اندازه‌گیری و سنجش تطبیقی در میان دو یا چند نظام سیاسی است.

فرضیه این پژوهش بیان می‌دارد که دولت‌های خاورمیانه از منظر مؤلفه حاکمیت قانون و شاخص‌های آن در میانه سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۰ فرازوفرودهای معناداری را از سر گذرانده‌اند. لذا این پژوهش قصد آن دارد تا روند حاکمیت قانون در پنج سال اخیر در میان کشورهای خاورمیانه را در نسبتی با روند افزایشی تنش‌ها، اعتراضات و جنگ‌ها در این منطقه مورد بررسی تطبیقی قرار دهد. یافته‌های به‌دست‌آمده از بررسی این نوسانات گویای آن است که هرگاه شاخص‌های مربوط به حاکمیت قانون، روند کاهشی داشته، شاهد افزایش تنش در منطقه هستیم. آن‌چنان‌که از سال ۲۰۱۴ شاهد افزایش روند اعتراضات در سوریه و عراق هستیم و یا از سال ۲۰۱۵ جنگ یمن برقرار است، این تحولات تا ۲۰۲۰ در نسبتی معنادار با روند شاخص‌های حاکمیت قانون در منطقه خاورمیانه قرار دارد.

واژگان کلیدی: صلح، خاورمیانه، حاکمیت قانون، حکمرانی مطلوب، کارآمدی سیاسی.

^۱ دکترای علوم سیاسی، پژوهشگر ارشد و مدیر گروه متون اساسی و پایه در مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه. رایانامه: shahabdalili@yahoo.com

^۲ Constraints on Government Powers

^۳ Absence of Corruption

^۴ Open Government

^۵ Fundamental Rights

^۶ Order and Security

^۷ Regulatory Enforcement

^۸ Civil Justice

^۹ Criminal Justice



بنیان های صلح فراگیر در حوزه فرهنگی نوروز: نمونه مطالعاتی منطقه خاورمیانه

مهدی زیبایی^۱

چکیده

مقولات صلح و فرهنگ از جمله مجردات ذهنی به شمار نمی روند که امکان تعریف آن‌ها در چارچوب مرزهای جغرافیایی وجود داشته باشد. به سخن دیگر، حوزه‌های فرهنگی و وجود صلح در داخل آن‌ها دارای خاصیت تسری هستند. برای نمونه، با آنکه امروزه فلات مرکزی ایران به‌عنوان خاستگاه نوروز شناخته می‌شود، اما ریشه‌های تاریخی ایران فرهنگی دربرگیرنده سرزمین‌هایی مانند آذربایجان، شرق ترکیه، آسیای مرکزی و حتی عراق در بیرون از ایران جغرافیایی کنونی است. از سوی دیگر، وجود بحران در هر یک از حوزه‌های فرهنگی وابسته، لاجرم بر دیگر بخش‌های جغرافیایی آن تأثیرگذار خواهد بود. در این نگرش، حصول صلح فراگیر در یک منطقه فرهنگی منوط به توجه به بنیان‌های فراهم‌کننده صلح است. با نگاهی به تاریخ مشخص خواهد شد که بنیان‌های فراگیر صلح از یک دوره به دوره‌ای دیگر متفاوت هستند. حال این پرسش مطرح می‌شود که در دوره معاصر برای دستیابی به یک صلح فراگیر به چه نکاتی باید توجه کرد؟ سرگذشت جوامع گوناگون حوزه فرهنگی نوروز گویا آن است که دست کم طی چند دهه گذشته مقولاتی چون تغییر هویت‌ها، فقدان حکمرانی خوب، قرارداد اجتماعی منسوخ و ... از جمله مهم‌ترین موانع تحقق صلح فراگیر در حوزه جغرافیایی مذکور هستند. با توجه به شباهت بافت سیاسی- اجتماعی منطقه خاورمیانه با حوزه فرهنگی نوروز از یک سو و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری آن بر / از یکدیگر، در مقاله حاضر قصد بر آن است بنیان‌های صلح فراگیر در منطقه خاورمیانه که دست کم بخشی از آن به‌عنوان حوزه فرهنگی نوروز به شمار می رود، به‌طور موجز مورد بررسی قرار گیرند.

واژگان کلیدی: صلح، فرهنگ، هویت، حکمرانی، قرارداد اجتماعی

۱- استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین. رایانامه: zibaei@soc.ikiu.ac.ir



جایگاه مطالعات صلح در آموزش عالی کشورهای منطقه فرهنگی نوروز

بهاره سازمند^۱

چکیده

نظام آموزش عالی از مهم‌ترین سازوکارهای توسعه علمی و کارآمدی در کشور به شمار می‌رود که از طیف قابل‌ملاحظه‌ای از نسل‌های گوناگون جامعه از قشر جوان، متخصص، باتجربه و پویا تشکیل می‌شود. شاخص‌ترین بخش نظام آموزش عالی را دانشگاه‌ها تشکیل می‌دهند که امروزه تبدیل به مکان‌های هندسی تأثیرگذاری شده‌اند که جدای از به جلو بردن اقتصاد به‌عنوان رکن اساسی پیشرفت بشریت، همچون ابزار اولیه برای آموزش نخبگان برای حرکت در جریان‌های رقابتی در نظر گرفته می‌شوند. در این میان، گشایش مرزها و گسترش فرایندهای منطقه‌گرایی نو و جهانی‌شدن نیز به جریان‌های شدید کالا، خدمات، اطلاعات و به‌ویژه افراد منجر شده و دانشگاه‌ها را به ابزار و نیرویی قدرتمند برای تعاملات جهانی و منطقه‌ای و درک متقابل و پایداری جغرافیای سیاسی مبدل کرده است.

منطقه فرهنگی نوروز از جمله مناطقی است که در فرایند منطقه‌گرایی نو قابل‌تحلیل بوده و به‌عنوان منطقه‌ای که مبنای جغرافیایی در آن کمرنگ بوده و بر اساس معیار هنجارها، آیین‌ها و آموزه‌های فرهنگی مشترک از جمله نوروز شکل گرفته است، مورد توجه قرار می‌گیرد. آنچه کمتر به آن پرداخته شده، نقش آموزش عالی و به‌ویژه دانشگاه‌های مهم کشورهای منطقه در تقویت فرهنگ صلح، صلح‌سازی و مدیریت منازعات و مناقشات منطقه‌ای بوده است. بنابراین پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آموزش عالی کشورهای منطقه فرهنگی نوروز چه نقشی در تقویت منطقه‌گرایی مبتنی بر تقویت فرهنگ صلح در این منطقه داشته است و مطالعات صلح در دانشگاه‌های مهم این کشورها از چه جایگاهی برخوردار است؟ فرضیه‌ای که ارائه می‌شود این است که مطالعات صلح از جایگاه قابل‌توجهی در دانشگاه‌های مهم منطقه فرهنگی نوروز برخوردار نبوده و آموزش عالی نقشی بسیار ناچیز در تقویت منطقه‌گرایی مبتنی بر تقویت فرهنگ صلح و هنجارهای فرهنگی نوروز در منطقه داشته است. نقش اصلی مدیریت مناقشات و منازعات بر عهده نهادها و کارگزاران دیپلماسی سنتی بوده و نه دیپلماسی جدید که دیپلماسی عمومی و دیپلماسی علم و فناوری به‌عنوان نمودهای اصلی آن شناخته می‌شوند. بنابراین مقاله حاضر از سه مبحث اصلی تشکیل می‌شود. در مبحث نخست ویژگی‌ها و ابعاد منطقه‌گرایی نو مورد بررسی قرار می‌گیرد. در مبحث دوم منطقه فرهنگی نوروز و کشورهای مهم تشکیل‌دهنده آن معرفی می‌شود و در مبحث سوم نیز جایگاه مطالعات صلح در دانشگاه‌های مهم کشورهای منطقه فرهنگی نوروز بررسی می‌شود. روش پژوهش مورد استفاده در مقاله حاضر، روش ترکیبی (تلفیقی از روش‌های کمی و کیفی) خواهد بود.

واژگان کلیدی: منطقه فرهنگی نوروز، صلح، آموزش عالی، دانشگاه، منطقه‌گرایی نو

^۱ دانشیار گروه مطالعات منطقه ای دانشگاه تهران. رایانامه: bsazmand@ut.ac.ir



اثر تعاملات دانشگاهی بین‌المللی بر سوء گیری‌های نژادگرایانه و ارتقاء همدلی در منطقه فرهنگی نوروز؛ مطالعه موردی ایران و افغانستان

ماندانا سجادی^۱

چکیده

امروزه در شرایطی زیست می‌کنیم که شمار جنگ‌های ویرانگر نسبت به گذشته کاهش چشمگیری داشته است. با این‌همه، خصومت به شکل‌های دیگر در روابط بین‌گروهی بروز می‌کند و به درگیری‌های فرهنگی پنهان و آشکار میان اقوام و گروه‌های اجتماعی گوناگون می‌انجامد که گاهی حتی از تاریخ، جغرافیا و فرهنگ مشترکی برخوردارند. هنگامی که از منظر علم روابط بین‌الملل به مسئله صلح نظر می‌کنیم، عموماً به دنبال رفع معضلات ساختاری هستیم، حال آنکه صلح صلبی عمیقاً ریشه در زیست‌شناسی و ماهیت روان بشر دارد. هنگامی که دو فرهنگ از یکدیگر جدا می‌شوند، عوامل روانی - زیستی بعضاً ناخودآگاه منجر به تداوم درگیری‌ها می‌شوند. در شرایطی که معارضه فرهنگی میان دو ملت جریان داشته باشد، افراد غالباً با پرچسب‌های نژادگرایانه از گروه قومیتی مقابل خود مشروعیت زدایی کرده و کمتر برای یکدیگر دلسوزی می‌کنند. تعاملات اجتماعی سودمند و انگیزه‌بخش همچون تعاملات بین‌دانشگاهی میان دو ملت می‌تواند راهی برای کاهش این سوگیری‌های نژادگرایانه و ارتقاء سطح همدلی میان ملت‌ها باشد.

در این مطالعه نویسنده اثر همکاری‌های بین‌المللی دانشگاهی را بر کاهش سوگیری‌های نژادگرایانه و واکنش‌های همدلانه در گروه‌های نژادی متعارض ارزیابی می‌کند. به این منظور، از یک گروه آزمودنی اصلی شامل ۲۰ ایرانی که تجربه تعامل دانشگاهی مشخص و قابل ارزیابی همچون تدریس، تحصیل، سفر و پژوهش مشترک با دانشگاهیان کشور افغانستان را داشته‌اند؛ و یک گروه کنترل شامل ۲۰ تن از دانشگاهیانی که هیچ تجربه تعامل دانشگاهی مشخصی با دانشگاهیان افغانستان نداشته‌اند، درخواست شد تا روایت‌های کوتاهی درباره دردهای فیزیکی و رنجش‌های روحی قومی طرف مقابل بخوانند و به پرسش‌هایی پاسخ دهند که میزان دلسوزی و همدلی آن‌ها را نسبت به شخصیت اصلی روایت ارزیابی می‌کند. استدلال اصلی این است که فراوانی شمار روابط دانشگاهی میان دو کشور و همچنین کیفیت میزبانی در دانشگاه کشور مقابل می‌تواند بر نگرش‌های دلسوزانه و توأم با همدلی گروه‌های اجتماعی متعارض نسبت به یکدیگر اثر مثبت داشته باشد.

واژگان کلیدی: تعاملات دانشگاهی بین‌المللی، صلح، همدلی، سوگیری نژادگرایانه، تعارضات قومی

^۱ دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی. رایانامه: sajjadiatu@gmail.com



نقش زنان دانشگاهی در گسترش صلح پایدار: مطالعه موردی دانشجویان افغانستانی در ایران

سعیده سعیدی^۱

چکیده

مهارت‌آموزی و آموزش ارتباط مستقیمی با افزایش سرمایه انسانی زنان دارد که در رشد و بهبود شاخص‌های توسعه تأثیرگذار است. آموزش و ارتقای علمی زنان بسترساز حضور بیشتر آنان در عرصه تصمیم‌گیری در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فردی زندگی است. اتباع افغانستانی بزرگ‌ترین بازیگر غیرایرانی نهاد آموزش و پرورش و نهاد آموزش عالی در جمهوری اسلامی ایران هستند و زنان افغانستانی سهم بالایی در این زمینه دارند.

اگرچه به‌صورت کلیشه‌ای زنان در عرصه بین‌المللی عمدتاً به‌صورت قربانیان منازعات برساخت می‌شوند، این پژوهش درصدد است تا با پررنگ کردن مفهوم عاملیت^۲، بر نقش محوری زنان افغانستانی تحصیل‌کرده در ایران در گسترش فرهنگ صلح تأکید و به واکاوی سوبه‌های عملیاتی آن مبادرت ورزد. روش پژوهش کیفی و مبتنی بر مردم‌نگاری انتقادی است و داده‌های پژوهش علاوه بر مشاهده همراه با مشارکت، براساس ۷۸ مصاحبه نیمه ساختاریافته با زنان مهاجر افغانستانی شاغل به تحصیل/فارغ‌التحصیل در شهرهای تهران، مشهد، قم و گیلان می‌باشد. نمونه‌گیری گلوله برفی و هدفمند بوده و برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل تماتیک استفاده شده است. دختران مهاجر در سپهر دانشگاه موقعیت تجربه‌های اجتماعی را به دست می‌آورند و با شکل‌دهی به تعاملات انسانی هم با هم‌مالان ایرانی و هم با دانشجویان سایر ملل جامعه‌پذیر شده و برای برهه‌های بعدی زندگی آماده می‌شوند؛ بر اساس یافته‌های این پژوهش زنان مهاجر به‌واسطه تجربه تحصیل در نهاد آموزش در ایران کنشگران جدی در عرصه صلح هستند که در این پژوهش در سه سطح خرد (نهاد خانواده)، میانی (مدارس خودگردان) و کلان (عرصه سیاست در کشور مبدأ) به‌صورت سامانمند تحولات اثربخشی را در راستای تکوین صلح پایدار راهبری می‌نمایند.

واژگان کلیدی: جنسیت، صلح پایدار، مهاجران افغانستانی، نهاد آموزش

^۱ استادیار مردم‌شناسی، موسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، رایانامه: Saidi@iscs.ac.ir

^۲ agency



مداخله بشردوستانه، صلح و زنان در سوریه، عراق و افغانستان

آناهیتا سیفی^۱

چکیده

مداخله نظامی و حضور در دیگر کشورها با ادعای جلوگیری از (بروز) فجایع انسانی، اجرای قواعد حقوق بشردوستانه و تأمین و ترغیب و پشتیبانی از اصول بنیادین حقوق بشر، از جمله اقداماتی است که جامعه بین‌المللی بارها شاهد آن بوده است. مداخله بشردوستانه مفهومی است که در سطح بین‌المللی دارای مخالفان و موافقان بسیار بوده و نظرات متضاد در این باره ابراز شده است. با توجه به جهان‌شمولی قواعد بنیادین حقوق بشر و نیز توجه به منشور و اقدامات شورای امنیت در تفسیر موسع از تهدید و به خطر افتادن صلح و امنیت بین‌المللی، مداخله بشردوستانه صورت می‌گیرد. ایده مداخله بشردوستانه و مسئولیت حمایت، از جمله نظریاتی هستند که مستمسک مداخله در کشورهایی چون سوریه، عراق و افغانستان قرار گرفته‌اند.

اما چگونه ممکن است حقوق به‌عنوان ابزاری که برای پایان دادن به مخاصمات و برپایی صلح در طول تاریخ بشری بوده، خود به ابزار مخاصمه و سلاحی برای جنگ مبدل گردد؟ اغلب، کشورها با هدف مشروعیت بخشیدن به اقدامات نظامی خود، این قبیل مداخلات را با عنوان مداخله بشردوستانه توجیه می‌کنند. پرسش این است که تأثیرپذیری زنان از نتایج مداخله بشردوستانه به‌عنوان ذینفعان چگونه قابل بررسی است؟ آیا مداخله بشردوستانه ابزار مناسبی برای اعمال حقوق زنان است؟ شکاف جنسیتی یا به‌عبارت‌دیگر، وجود اختلاف میان زنان و مردان در شیوه نگرش به مداخله بشردوستانه چگونه ارزیابی می‌شود؟ آیا زنان می‌توانند در تغییر نگرش هم‌تایان مرد خود در راستای توجه بیشتر به حقوق بشر در مقایسه با منافع ملی، سیاسی و اقتصادی در دیگر کشورها و همچنین فاصله گرفتن از یک‌جانبه‌گرایی و اقتدارگرایی در مداخلات بشردوستانه، موفق باشند؟

هدف از این پژوهش، بررسی شیوه‌ها، شرایط تحقق، انگیزه‌ها و چالش‌های مداخلات بشردوستانه از دیدگاه زنان است. تحقیقات نشان می‌دهد هنگامی که زنان درگیر فرایند پیشگیری و واکنش در برابر بحران هستند، نتایج بهتری در زمینه حقوق بشردوستانه به دست می‌آید و خطرات را کاهش می‌دهد. معمولاً ادعا می‌شود که زنان در مقایسه با مردان به میزان کمتری از جنگ پشتیبانی می‌کنند و مردان با توجه به روحیه برتری‌طلبی که دارند، از توسل به‌زور در راستای تأمین منافع و اهداف موردنظر خود استقبال می‌کنند. چه‌بسا زنان که به باور عموم، صلح‌طلب فرض می‌شوند، زمانی که با بحران‌های انسانی و حفاظت از حقوق بشر روبرو هستند، با در پیش گرفتن رویکرد گزینشی و با استناد به ارزش‌های بشردوستانه، در مقایسه با مردان ممکن است جنگ‌طلب‌تر شوند. وجود بحران‌ها و مخاصمات مسلحانه علیه امنیت و سلامت زنان و کودکان می‌تواند انگیزه مهمی برای زنان در راستای حمایت حداکثری از مداخله‌های بشردوستانه باشد. اما در عمل شاهد هستیم نتایج مداخلات

^۱ دکتری حقوق بین‌الملل، استادیار گروه مطالعات زنان دانشگاه علامه طباطبائی، رایانامه: a.seifi@atu.ac.ir



بشردوستانه پایان دادن به نقض حقوق بشر زنان نیست. لذا نیاز به توجه بیشتر نسبت به شکاف‌های جنسیتی گسترده در این نوع مداخلات وجود دارد.

واژگان کلیدی: زنان، مداخله بشردوستانه، صلح، عراق، سوریه، افغانستان





ارزیابی نقش ایران در نظم نوظهور و همگرایی منطقه نوروز و پدیداربخشی اتحادیه خاورمیانه

بنیامین صادقی^۱

مریم یوسفی صدر^۲

چکیده

ایران با توجه به جایگاه ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک خویش و نیز با توجه به مشترکات متعدد مذهبی، تاریخی و فرهنگی و بازرگانی با کشورهای منطقه، به راحتی می تواند زمینه های همکاری، همبودگی و همگرایی میان کشورهای منطقه از جمله میان کشورهای منطقه فرهنگی نوروز را فراهم کند و پرسش اصلی آن است که ایران چگونه و با چه سازوکاری می تواند با الگوبرداری از اتحادیه اروپا، ابتکار ایجاد اتحادیه کشورهای منطقه فرهنگی نوروز را به عنوان طرح پایلوت، جهت طرح اتحادیه خاورمیانه در دست بگیرد؟ هدف از پژوهش حاضر تبیین این موضوع است که دور هم گردآمدن و ایجاد بستر گفت و گوی کشورهای منطقه نوروز و گسترش راه های ارتباطی در زمینه های گوناگون می تواند تحولی اساسی در این زمینه به شمار آید و فرضیه پژوهش حاضر این است که ایران می تواند در کنار تمامی کشورهای منطقه فرهنگی نوروز و کوشش های صلح کوشانه و میانجی گرانه خود، یک همایش منطقه ای صلح را با حضور رهبران و روسا و وزرای خارجه تمامی کشورهای منطقه فرهنگی نوروز را به هدف طرح پایلوت و نمونه اولیه طرح ریزی ایجاد اتحادیه منطقه ای خاورمیانه برگزار نماید.

یافته های پژوهش حاضر آن است که با اعتقاد راسخ به این که اختلافات موجود در منطقه، صرفا با توسل به زور و خشونت و نیروهای نظامی قابل حل و فصل نیست و ایران می تواند با ایجاد کنفرانس ها و مجامع گسترده گفت و گوهای منطقه ای، همه کوشش خود را معطوف به بهتر و نزدیک کردن طرف های درگیر و دارای منازعه و اختلاف در منطقه نماید و موفقیت ایران در طرح پایلوت ایجاد اتحادیه کشورهای منطقه فرهنگی نوروز می تواند زمینه ساز و تسهیل گر ایجاد یک اتحادیه خاورمیانه ای با حضور همکوشانه ایران، امارات، عربستان، بحرین و دیگر کشورهای منطقه ای قرار بگیرد. روش تحقیق مورد استفاده در این مقاله، روش کیفی و شیوه کتابخانه ای بوده و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات، تبیینی و تحلیلی است.

واژگان کلیدی: اتحادیه خاورمیانه، همگرایی، منطقه نوروز، نظم های نوظهور، صلح و امنیت منطقه ای

^۱ پژوهشگر دکتری روابط بین الملل. رایانامه: bensad5800@gmail.com

^۲ کارشناسی ارشد مطالعات منطقه ای اسرائیل. رایانامه: maryam_yosefisadr@yahoo.com



نقش جشن‌های نوروزی در صلح آفرینی و گسترش فرهنگ دوستی میان کشورهای منطقه نوروز

اکرم صالحی^۱

چکیده

جشن و آیین نوروز یکی از نمادهای فرهنگ ایرانی است که از عصری به عصر دیگر انتقال یافته و باوجود زمان درازی که از عمر آن می‌گذرد، همچنان پابرجا مانده و ارزش‌های نهفته در آن به نسل‌های بعدی نیز منتقل شده است. این آیین گرچه زائیده حوزه تمدنی منطقه ایران است، اما هرگز در مرزهای کنونی این کشور باقی نمانده و به‌رغم تقسیم مرزها و پاره‌پاره شدن سرزمین حامل تمدن بزرگ حوزه نوروز و قرار گرفتن در چارچوب مرزهای گوناگون، این جشن کهن و آیین‌های صلح آفرین، زندگی‌ساز و نوگرایانه آن، همچنان در سرزمین‌های این حوزه ماندگار است. در واقع گذشت هزاران سال از پیدایش آن و بروز جنگ‌ها و هجوم قبایل و ارتش‌های گوناگون خارجی، نتوانست این آیین تمدن‌ساز را با چالش جدی روبرو کند. به‌طوری‌که امروزه از مرزهای اولیه به دیگر کشورهای منطقه مانند عراق، ترکیه، کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس، پاکستان و حتی مناطق دیگر از جمله بالکان و شبه قاره هم گسترش یافته و هم‌زمان این کشورها نیز پیوند عمیق خود را با آن حفظ کرده‌اند. می‌توان گفت که نوروز نه‌تنها عاملی برای همگرایی فرهنگی میان ایران و کشورهای حوزه تمدنی ایران به شمار می‌رود، بلکه با ارزش‌های متعالی خود توانایی جذب مردم جهان زیر یک چتر واحد را نیز دارد. از این‌رو پرسش اصلی که در این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی به آن پاسخ داده خواهد شد این است که جشن‌های نوروزی در ایجاد صلح و گسترش فرهنگ دوستی در کشورهای حوزه نوروز چه تأثیری دارند؟ در این راستا در پرتوی رویکرد سازه‌انگاری، این فرضیه مورد آزمون قرار می‌گیرد که آیین‌ها و جشن‌های نوروزی با توجه به شرکت مردم در جشن و سرور دسته‌جمعی، بسط دیدارها و ارتباطات فرهنگی میان مردم منطقه نوروز می‌تواند به ایجاد پیوند و همگرایی میان این کشورها بر اساس نقاط مشترک فرهنگی و در نتیجه، ایجاد صلح و گسترش فرهنگ دوستی منجر شود.

واژگان کلیدی: نوروز، صلح آفرینی، حوزه تمدنی ایران، همگرایی

^۱ دانش‌آموخته روابط بین‌الملل از دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال. رایانامه: asalehi82@yahoo.com



اخلاق جهان‌وطنانه و صلح جهانی

مریم صانع پور^۱

چکیده

امروزه در عصر ارتباطات جهانی، برای پیشگیری از نزاع‌های ملی، فرهنگی، دینی، قومی و غیره، یک نظام اخلاقی جهان‌وطنانه ضروری است. صورت‌بندی این منظومه اخلاقی، نیازمند اصول مشترک پیشافرہنگی مانند احترام به شأن انسان، صداقت و صلح‌طلبی است؛ زیرا تحمیل معیارهای بومی یک فرهنگ اقتدارگرا، مقاومت‌های خشونت‌آمیز دیگر فرهنگ‌ها را به دنبال خواهد داشت. طبق اصول پیشافرہنگی اخلاق جهان‌وطنانه، حیات انسان بماهو انسان گرامی داشته می‌شود و تبعیض‌های نژادی، جنسی و غیره در آن جایی نخواهد داشت. در این صورت‌بندی، مشترکات انسانی معیار اخلاق جهان‌وطنانه را تشکیل می‌دهد؛ برخلاف اخلاق امپریالیستی دوره روشنگری که اصول اخلاقی سوژه غربی را در رویکردی خودبنیادانگارانه به دیگر افراد و جوامع تحمیل می‌کرد. اخلاق جهان‌وطنانه برخلاف اخلاق سوژکتیو دوره روشنگری (که بر خویشتن متمرکز و از «دیگری» غافل است) اخلاقی «ارتباطی و دیگری‌محور» می‌باشد. عناوین مرتبط با اخلاق جهان‌وطنانه عبارتند از: اخلاق تنوع، مشترکات پیشافرہنگی اخلاقی، گفت‌وگوی صلح‌آمیز اخلاقی و جهانی‌شدن پسااستعماری (که در تقابل با جهانی‌سازی استعماری قرار دارد). اخلاق جهان‌وطنانه به هویت متعالی جمع‌گرایانه فرصت بروز می‌دهد تا تمایلات خودمحورانه و نزاع‌برانگیز را فروبنداند و مصالحه و مسالمت را شالوده ارتباطات میان‌فرہنگی قرار دهد. هویت متعالی جمع‌گرایانه با انگیزه‌هایی خیرخواهانه و انسان‌دوستانه، پس از هم‌وطنان محلی، به هم‌وطنان جهانی نیز (از آن حیث که چون او انسان هستند) رو می‌کند و به‌این ترتیب، زمینه تراحامات و خصومت‌های ویرانگر از میان برداشته می‌شود.

واژگان کلیدی: اخلاق جهان‌وطنانه، صلح جهانی × دیگری، هم‌وطنان جهانی

^۱ استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. رایانامه: m.saneapour@gmail.com



مسئولیت اجتماعی دانشگاهیان برای صلح آفرینی در منطقه نوروز

علی صباغیان^۱

چکیده

در حال حاضر اهمیت تعهد اجتماعی در عملکرد حرفه‌ای دانشگاه‌ها از طریق مسئولیت اجتماعی آن‌ها به شدت تحت تأثیر روندها، تقاضاها و انتظارات نشأت گرفته از خارج از دانشگاه پررنگ‌تر شده است. مسئولیت اجتماعی دانشگاه عبارت است از توانایی دانشگاه در تدوین و اجرای مجموعه‌ای از اصول کلی و ارزش‌های خاص با استفاده از چهار فرایند مدیریت، آموزش، پژوهش و گسترش از راه ارائه خدمات آموزشی و انتقال دانش بر مبنای اصول اخلاقی، حکمرانی خوب، احترام به محیط‌زیست، مدیریت اجتماعی و ترویج ارزش‌های جامعه. مسئولیت اجتماعی دانشگاه شامل عرصه‌های گوناگون همچون نیاز به تقویت تعهد مدنی و شهروندی فعال، ارائه خدمات به اجتماع از راه مشارکت و توسعه جامعه، کمک به توسعه اقتصادی و ملی، ایجاد رهیافت‌های اخلاقی به مسائل، ایجاد یک حس شهروندی مدنی از راه تشویق دانشجویان، استادان و کارمندان به ارائه خدمات اجتماعی به جوامع محلی‌شان، افزایش تعهد زیست‌محیطی برای توسعه پایدار محلی و جهانی، توسعه منابع انسانی محلی و جهانی و گسترش دانش بشریت است.

یکی از حوزه‌های مهمی که دانشگاه‌ها و دانشگاهیان می‌توانند از منظر مسئولیت اجتماعی در آن به ایفای نقش بپردازند عرصه صلح آفرینی است. مداخله دانشگاهیان در عرصه صلح آفرینی ابعاد گوناگونی همچون پیشگیری از ظهور منازعات، مدیریت و حل و فصل منازعات در صورت بروز هرگونه منازعه و نیز اقدامات تثبیت ساز در دوره بعد از منازعه دارد. در این چارچوب، دانشگاه‌ها و دانشگاهیان از راه تقویت آموزش‌های مربوط به صلح، همزیستی مسالمت‌آمیز و حل منازعه، هنجاری سازی‌های لازم برای صلح و صلح آفرینی، شبکه‌سازی در عرصه صلح سازی، همکاری‌های پژوهشی در این عرصه و موارد دیگری از این دست می‌توانند اقدام کنند. این مقاله درصدد بررسی این پرسش است که دانشگاه‌ها و دانشگاهیان منطقه نوروز چگونه می‌توانند از منظر مسئولیت اجتماعی به صلح آفرینی در این منطقه کمک کنند؟

واژگان کلیدی: دانشگاه، دانشگاهیان، مسئولیت اجتماعی، صلح آفرینی، منطقه نوروز

^۱استادیار گروه مطالعات منطقه‌ای دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. رایانامه: sabbaghian@ut.ac.ir



تمایز ساختار هستی شناختی دولت‌ها، مبنای منطق صلح و جنگ در نظام بین الملل

رسول صفراهنگ^۱ و پریرسا سلیمی^۲

چکیده

پژوهشگران در این مقاله بر این مفروض تاکید دارند که هر دولت در نقش بازیگر نظام بین الملل دارای یک ساختار منطق تحلیل برای تصمیماتش در دیپلماسی است و این ساختار منطقی از مبانی هستی شناختی^۳ منحصر به فردی متأثر از تفاوت در ساختارهای هویتی ملت‌ها تشکیل شده است. از این رو صلح یا جنگ ناشی از تقابل آنتاگونیستی^۴ معانی است که بر بنیاد آنتالوژیک دستگاه منطقی تصمیم سازی بازیگران بین المللی نباشد، به نحوی که هر بازیگر در مذاکره، معنای واژگان محل منازعه را از دستگاه آنتالوژیک منحصر به خود ادراک نموده و متمایز از بازیگر دیگر فهم می‌کند. این تمایز فهم معنا از واژگانی واحد که در زبان‌های رایج دیپلماسی میان کشورها- همانند زبان انگلیسی - حامل معنایی متفاوت است، در افق آنتالوژی بازیگران ایجاد منازعه می‌نماید. از این رو صلح، حاصل همگرایی افق تفسیر معنای عناصر حوزه مشترک آنتالوژی های طرفین منازعه است که میزان همگرایی یا واگرایی، تعیین‌بخش صلح یا جنگ است.

بنابراین پرسش اصلی این است که چرا تمایز آنتالوژی دولت‌های دارای منازعه، بر ساختار منطق فکری تصمیم‌گیری آن‌ها تأثیرگذار است؟ و پرسش فرعی این است که چگونه می‌توان به ساختار تحلیل منطقی معطوف به صلح یا جنگ اندیشید؟ پژوهشگران در پژوهشی از سنخ کاربردی، رویکرد کیفی را کاربست عملیاتی قرار داده و با روش توصیفی- تحلیلی، اطلاعات پژوهش را تجزیه و تحلیل می‌نمایند. پژوهشگران در نتیجه‌گیری، با بهره‌گیری از نقد فراساختارگرایان^۵ بر مکاتب ساختارگرایی^۶ و اراده‌گرایی^۷، راه‌سومی را در نتیجه‌گیری برای صلح پایدار در نظام بین الملل با نقدی فرانظری بر روش‌شناسی مکاتب موصوف، تبیین می‌کنند. از این رو در نمونه موردی به کشور ایران پرداخته و گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی را پس از انقلاب ۱۹۷۹ با دستگاه نظری پژوهش، تحلیل خواهد کرد. در نمونه ایران، آنتالوژی انقلابیون ایران از اسلام سیاسی، نظام سرمایه‌داری به‌عنوان «شر» تبیین شده و با تکیه بر مفهوم «مهدویت» که در اندیشه شیعیان از بنیادی مبتنی بر نص و سنت برخوردار است، «جنگ» با «شر» حتمی و قطعی است. بر این مبنا، هرگونه کاربست ابزارهای منتهی به نتیجه

^۱ دکتری علوم سیاسی دانشگاه تهران. رایانامه: safarahang@ut.ac.ir

^۲ کارشناس ارشد مطالعات منطقه ای دانشگاه علامه طباطبایی. رایانامه: p_salimi@atu.ac.ir

^۳ Ontology

^۴ Agonist-antagonist

^۵ Post-structuralism

^۶ Structuralism

^۷ Voluntarism



«صلح» با «شر»، امری مذموم و غیرقابل قبول است. لذا زمانی می توان به «صلح» اندیشید که فهمی با افق مشترک میان ایران و دیگر کشورها حول مفاهیم هستی شناسانه صورت گیرد.

واژگان کلیدی: صلح، هستی شناختی، فراساختارگرایی، اراده گرایی، منطق زبانی





تأثیرات فرهنگی دیپلماسی آموزشی ایران بر دانشجویان کشورهای حوزه تمدنی نوروز

مهدی طاهری^۱

چکیده

دیپلماسی آموزشی یکی از زیرشاخه‌های دیپلماسی فرهنگی است که درصدد است با رویکردی تمدن محور و به‌کارگیری ابزارهای آموزشی و دانشگاهی همچون تبادل استاد و دانشجو، راه‌اندازی شعب دانشگاهی، آموزش زبان فارسی، ایجاد کرسی‌های ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی در دانشگاه‌ها و غیره تصویر مثبتی از کشور در اذهان قشر تحصیل کرده خارجی ارائه دهد. این شکل از دیپلماسی، با تأثیرگذاری فکری در میان دانشگاهیان، درصدد برسازی ذهنی آنان در راستای افزایش قدرت نرم کشور خود می‌باشد. یکی از ابزارهای مهم در دیپلماسی آموزشی، جذب دانشجویان خارجی در دانشگاه‌های داخل کشور است. از این منظر، آگاهی از تجربه زیسته آنان در محیط دانشگاهی ایران و کسب نظرات این دانشجویان به‌ویژه دانشجویان کشورهای همسایه که قرابت فرهنگی بیشتری با ایران دارند، در میزان موفقیت و عدم موفقیت دیپلماسی آموزشی جمهوری اسلامی ایران، دارای اهمیت است.

این مقاله با نگاهی توصیفی-تحلیلی به مفهوم دیپلماسی آموزشی، در کوشش است اهمیت این شکل از دیپلماسی را بررسی و تبیین نماید. پرسش این است که دیپلماسی آموزشی جمهوری اسلامی ایران در قبال کشورهای حوزه تمدنی نوروز، در مقایسه با مناطق فرهنگی دیگر موفق بوده است؟

واژگان کلیدی: دیپلماسی آموزشی، آموزش عالی، دانشجوی خارجی، فرهنگ‌سازی، قدرت نرم، حوزه

تمدنی نوروز

^۱ دکترای سیاست‌گذاری فرهنگی. رایانامه: mtaheri1982@gmail.com



منابع ادبی و تاریخی به زبان فارسی در خدمت احیای سنت‌های فرهنگی مشترک منطقه فرهنگی نوروز؛ مطالعه موردی دیوان‌های اشعار خاقانی شروانی و نظامی گنجوی

شیوا علی‌زاده^۱ و سید مهدی حسینی تقی‌آباد^۲

چکیده

ادبیات فارسی و منابع تاریخی به زبان فارسی با قدمت بیش از هزار سال، گنجینه بسیار ارزشمندی است. باوجودی که بسیاری از نسخه‌های تاریخی و ادبی به زبان فارسی هنوز تصحیح و منتشر نشده‌اند و در مخازن و کتابخانه‌های دولتی و شخصی در جای‌جای جهان نگهداری می‌شوند، اما آن بخش از این میراث بزرگ ملی ایرانیان که منتشر شده است، و در بسیاری از جهات سرمایه‌های منطقه‌ای و جهانی نیز به شمار می‌رود، دربرگیرنده مطالب مهمی از جمله سنت‌های نیکوی انسانی و فرهنگی در گستره‌ای است که اکنون منطقه فرهنگی نوروز نامیده می‌شود. البته که دامنه پوشاندگی برخی از این آثار فراتر از این جغرافیای فرهنگی نیز هست و از آن جمله می‌توان به آثاری مانند جهانگشای جوینی و جامع‌التواریخ خواجه رشیدالدین فضل‌الله اشاره کرد که رئیس‌جمهور وقت مغولستان تساخیاگین البگدورج در حاشیه سفر به ایران برای شرکت در اجلاس غیرمتمعه‌ها در شهریور ۱۳۹۱ آن‌ها را مهم‌ترین و مستندترین منابع تاریخ ملت مغولستان دانست و از ایران برای شناسایی دقیق‌تر تاریخ مغولستان بر پایه این آثار بزرگ به زبان فارسی یاری خواست. بی‌گمان بسیاری از منابع تاریخی و ادبی به زبان فارسی آکنده از اشاره‌ها به سنت‌ها و آیین‌هایی است که دامنه اشتراک آن‌ها جغرافیایی به مراتب بزرگ‌تر از ایران کنونی را در برمی‌گیرد و یکی از آن‌ها نوروز است. در این پژوهش کوشش خواهد شد که شماری از سنت‌های مشترک فرهنگی ایران و قفقاز به‌منزله بخشی از منطقه فرهنگی نوروز، که در دیوان‌های اشعار خاقانی شروانی و نظامی گنجوی مورد اشاره قرار گرفته‌اند، شناسایی و معرفی شوند.

واژگان کلیدی: منطقه فرهنگی نوروز، آیین، سنت، خاقانی شروانی، نظامی گنجوی

^۱ استادیار گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران. رایانامه: shiva_alizadeh@ut.ac.ir

^۲ دکترای تاریخ از دانشگاه تهران



انسان دوستی در کلام فردوسی طوسی

سیده فلیحه زهرا کاظمی^۱

چکیده

در شعر پارسی از ابتداء تا به امروز شعر انسان مدار زیاد دیده می شود. انسان دوستی احساس نجیبی است که به زندگی انسان عظمت و تفاخر بخشیده به حل همه گونه مسایل و مشکلات یاری می رساند و عامل مهمی در راه تشکیل و تداوم جامعه بشر دوستانه و پیشرفته است. از اینجاست که از زمان های باستان تا امروز در ستایش انسان دوستی شاعران پارسی زبان اشعار فراوان سروده، و در و مرواریدهای زیادی سفته اند و گنجینه اندیشه های اخلاقی را غنی ساخته اند.

امروزه جامعه انسانی به خاطر تحولات تاریخی و رشد و گسترش تکنولوژی با بحران های جدی روبرو شده است. بطوری که منافع شخصی در موارد زیادی بر منافع و مصالح انسانی غلبه دارد. از این رو کم نیستند آدم هایی که دوستی را وسیله به دست آوردن سود و منفعت شخصی قرار داده اند و هرگاه نفعی ندیدند، دوستی از بیخ بریدند. چنین آدم هایی را که در همه زمان ها بوده اند شاعران دوستان حقیقی نمی شمردند. از اینجاست که فردوسی به مساله انتخاب دوست و رفتار انسان دوستانه توجه زیاد نموده است. او همچون معلم و مربی اخلاق کوشش کرده است که راه های انتخاب و پرورش دوستی و برقراری جامعه بر مبنای رفتار انسان دوستی را نشان دهد. فردوسی در این موضوع داد سخن داده، و در شاهنامه یک زمره اندیشه های بلند اخلاقی بیان نموده است که تا امروز ارزش خود را حفظ کرده است.

بخش بزرگی از شاهنامه به جنگ ها و نبردهای میهنی اختصاص دارد - با این همه، همواره بر اولویت داشتن صلح بر جنگ و بیان ناپسندی و زشتی جنگ تاکید شده است. فردوسی به زبان رستم، بزرگترین پهلوان شاهنامه، در جای جای شاهنامه در ستایش صلح و نکوهش جنگ سخن می گوید. یکی دیگر از پهلوانان نیک اندیش شاهنامه که تباری تورانی دارد، پیران است که اغلب دربار اولویت داشتن صلح بر جنگ صحبت می کند. در موارد دیگر، در شاهنامه تنها به نفی کلی جنگ و بیان این نکته که صلح بر جنگ برتری دارد. اکتفا نشده است، بلکه به پیامدهای زیان بار جنگ نیز اشاره شده است. همچنین دوستی با مردم، دوست داشتن وطن، زبان، میراث کهن و بومی ایران زمین، دوست داشتن خیر و خوبی و غیره از دیگر مظاهر دوستی اند که در شاهنامه بازتاب فراوانی دارد. در شاهنامه دوستی به مفهوم وسیع یعنی خلق ها و قوم ها نیز مطرح شده است. شاعر بزرگ طوس در ضمن داستان های گوناگون، به دوستی ایرانی ها با مردمان چین و هند، یونان و عرب نیز اشاره کرده است. او مفهوم دوستی را هم به معنی رابطه حسنه فردی و هم به معنی وسیع بین المللی درست و عمیق درک نموده، و همانند متفکری بزرگ، اندیشه های بلند اجتماعی و اخلاقی بیان کرده است که امروز نیز

^۱ رئیس گروه زبان ادبیات فارسی دانشگاه ال سی بانوان لاهور - پاکستان. رایانامه: com.gmail@kazmi.faleeha.dr



در تربیت و هدایت مردم جهان خیلی سودمند هستند. نویسنده در این پژوهش با استناد به اشعار شعرای بزرگ زبان فارسی، به ویژه شاهنامه فردوسی، از روش توصیفی-تحلیلی استفاده خواهد کرد.

واژگان کلیدی: فردوسی، انسان، دوستی، صلح، اخلاق





نوروز و فرهنگ صلح

محمد رضا مجیدی^۱ و وحید مصاحبی محمدی^۲

چکیده

نوروز میراث فرهنگی ایرانی - اسلامی هزاران ساله است که در پیوند با طبیعت شکل گرفت و در این هزاره‌ها و سده‌ها، پیام‌آور آرامش درون، صلح با خود و هم‌نوعان و جوامع انسانی، طبیعت و محیط‌زیست بوده است. امروزه با قرار گرفتن این میراث گران‌سنگ در فهرست میراث فرهنگی ناملموس یونسکو در قالب پرونده مشترک کشورهای حوزه نوروز، و قرار گرفتن آغاز سال نوی خورشیدی یا همان نوروز در تقویم سازمان ملل متحد به اهتمام همین کشورها، ظرفیت‌های خود را برای پرچم‌داری فرهنگ صلح به نمایش گذاشت. نوروز نخستین روز سال خورشیدی برابر با اول فروردین‌ماه، جشن آغاز سال نوی ایران فرهنگی و یکی از کهن‌ترین جشن‌های به‌جامانده از دوران ایران باستان است. خاستگاه نوروز در ایران باستان است و هنوز هم مردم مناطق گوناگون فلات ایران و هم‌جواران آن، نوروز را جشن می‌گیرند.

در پرونده نوروز برای ثبت در یونسکو، به مدیریت کشورمان، یازده کشور شامل ترکیه، آذربایجان، هند، پاکستان، ازبکستان، قرقیزستان، قزاقستان، تاجیکستان، افغانستان، ترکمنستان و عراق حضور داشتند و برخی کشورهای دیگر هم با پاسداشت و نکوداشت آیین‌های نوروزی از همراهان این حرکت جمعی فرهنگی بین‌المللی به شمار می‌آیند. نوروز باستانی در ایران، مورد اقبال و پذیرش و تأیید اسلام قرار گرفت و مخاطبان جدید پیدا کرد. امروزه با توجه به ظرفیت‌های این سنت و میراث عظیم فرهنگی، از دیپلماسی نوروز برای نشر فرهنگ صلح و گفتگوی تمدن‌ها و تقارب فرهنگ‌ها و دور کردن سایه جنگ و خشونت از جوامع بشری سخن گفته می‌شود. در جوامع امروز که همچنان با خشونت و جنگ از یک‌سو و تخریب محیط‌زیست با الگوهای گوناگون مدرن توسعه از سوی دیگر تهدید می‌شوند، نوروز و آیین‌های نوروزی چه نقشی در تقویت فرهنگ صلح و حفاظت از زیست‌بوم انسان‌ها ایفا می‌کند؟ در این نوشتار در قالب مطالعات صلح و پژوهش‌های فرهنگی بین‌المللی، کوشش می‌شود برخی عناصر پاسخ به این پرسش بررسی شوند.

واژگان کلیدی: نوروز، مطالعات صلح، فرهنگ صلح، دیپلماسی فرهنگی، دیپلماسی نوروز

^۱ دانشیار مطالعات منطقه ای دانشگاه تهران. رایانامه: mmajidi@ut.ac.ir

^۲ کارشناسی ارشد علوم سیاسی و روابط بین‌الملل. رایانامه: v.mosahebi@yahoo.com



دانشگاهیان و بازآفرینی نقش همگرایانه عارفان

محسن مدیرشانه‌چی^۱

چکیده

روشنفکران و فرهیختگان در هر عصر و زمانه‌ای روشنگران و هادیان طریق معرفت و سعادت مردم بوده‌اند. در جهان مدرن بیش از هر کس دانشگاهیان چنین جایگاهی را یافته‌اند اما اینکه آیا به چنین رسالتی آگاه شده یا چنین نقشی را ایفا کرده‌اند، پرسشی است که پاسخ آن چندان مثبت نمی‌نماید. این امر شاید بیش از هر چیز برخاسته از نگاه ابزاری به دانش و تبدیل آن به کالا در عصر تجدد و در واقع دور شدن نخبگان و فرهیختگان امروز از توده‌ها و جدایی آنان از مسئولیت درمانگری اجتماعی باشد. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که چگونه می‌توان این نقش را ایفا کرد و اگر پیش‌ازاین اسلافی چنین نقشی داشته‌اند، اینان که بوده و چگونه می‌توان این نقش را بازآفرینی کرد.

در جوامع شرقی سده‌های پیشین، به ویژه پس از اسلام و مشخصاً در حوزه فرهنگی و تمدنی ایران و قلمرو زبان فارسی یا قلمرو نوروز، روشنفکران روشنگر و نخبگان فکری عارفانی بوده‌اند که در اقصی نقاط این حوزه در پی گسترش دانش و معرفت و تعالیم تعالی‌بخش و وحدت‌آفرین و فارغ از تعصبات و تفرقه‌های قومی و کلامی و مذهبی و فرقه‌ای برآمدند و در ارتباطی وثیق با توده‌ها به درمانگری اجتماعی پرداختند. در این راه زبان فارسی و تسلط آنان بر این زبان و سود جستن از آن در نظم و نثر، ابزار ایفای این نقش و همگرایی میان توده‌های این قلمرو بود. میر سید علی همدانی یکی از این عارفان بود که از همدان در ایران کنونی برآمد و در بسیاری از بلاد حوزه نوروز از شبه‌قاره هند تا آسیای مرکزی و از قفقاز تا غرب آسیا به سیر و سیاحت پرداخت؛ دو سال در کشمیر به سر برد و سرانجام در ختلان یا کولاب کنونی در تاجیکستان امروز درگذشت. همدانی در هر جا شاگردانی پرورش داد که از ختلان و بدخشان و نیشابور و سمنان و طالقان و شیراز و دیگر بلاد این حوزه بودند و هر یک به‌نوبه خود در همگرایی مردمان این حوزه نقشی درخور ایفا کردند. از این قرار، مفروض این پژوهش در پاسخ به پرسشی که طرح شد، این است که عارفانی چون میر سید علی همدانی در مقام نخبگان و فرهیختگان و روشنگران عصر خود را اسلاف دانشگاهیان امروز می‌توان شمرد که افزون بر دانش‌گستری و پرورش شاگرد، در سنت علمی و فرهنگی خود رسالتی نیز در پیوند با عامه مردم و درمانگری اجتماعی برای خویش قائل بودند و امروز با تلفیق مقتضیات عصر مدرن و بازجویی چنین سنتی می‌توان به بازآفرینی این نقش همگرایانه و طی طریق در مسیر مسالمت و معرفت و سعادت مردمان دست‌یافت و بر واگرایی و دوری نخبگان از توده‌ها و نیز واگرایی و تعارضات قومی و فرقه‌ای فزاینده میان جوامع گوناگون این حوزه فائق آمد.

واژگان کلیدی: دانشگاهیان، عارفان، صلح، درمانگری اجتماعی

^۱ نویسنده و پژوهشگر سیاست و تاریخ معاصر. رایانامه: modir_shanechi@yahoo.com



پیش نیازهای نقش آفرینی دانشگاه در دیپلماسی عمومی گفتمان های صلح محور منطقه نوروز

رضا مقاتلی^۱

چکیده

پس از تغییرات صورت گرفته در شیوه تعاملات و همچنین صف بندی ها در روابط بین الملل و به ویژه از هنگامی که مناطق و منطقه گرایی در سیستم بین الملل مورد اهمیت واقع شدند، تفکرات و استراتژی های کلان در سیستم بین الملل در سطوح منطقه ای نیز رخنه کردند و مفاهیمی مرتبط با محدوده مشخص جغرافیایی _ مناطق _ تبیین و معرفی شدند.

صلح جویی و صلح طلبی از معیارهای اساسی معرفی صحیح جوامع گوناگون در نظام بین الملل به شمار می رود. تبدیل روندهای مرتبط با حوزه مطالعاتی صلح _ که از بنیادهای اساسی تشکیل سازمان ملل متحد و از مهم ترین منشورهای این نهاد بین المللی به شمار می آید _ به گفتمان های عمومی به عنوان یک دیپلماسی برتر با قابلیت تبدیل به هنجار در ابعاد قابل تسری به روابط بین الملل، همواره از مهم ترین نگرانی های جوامع و نخبگان صلح طلب به شمار می رود که در این میان نقش نهادها و مراکز علمی، به ویژه دانشگاه ها و به طور ویژه تر در حوزه های آموزش عالی، همواره قابل تامل و غیر قابل انکار می نماید.

بی تردید تبدیل روندهای مرتبط با مطالعات صلح به یک گفتمان می تواند بر دوام و اثر بخشی آن و در نهایت تبدیل به هنجار اجتماعی و حتی در گستره روابط بین الملل نقشی به سزا ایفا نماید. در این پژوهش کوشش خواهد شد ضمن تبیین نقش آموزش عالی و دانشگاه بر روند مطالعات صلح و اثرگذاری آن بر تبدیل این روند به دیپلماسی عمومی در منطقه نوروز، که سالهاست اقداماتی در جهت برجستگی نقش فرهنگی این منطقه صورت می گیرد، به عوامل و پیش نیازهای تحقق این نقش آفرینی نیز پرداخته شود.

این پژوهش به روش تحلیلی و توصیفی تهیه و در کنار آن از روش تجربی نیز بهره گرفته خواهد شد.

واژگان کلیدی: مطالعات صلح، دیپلماسی عمومی، دانشگاه، نوروز، گفتمان سازی

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات منطقه ای خاورمیانه دانشگاه شیراز. رایانامه: Reza.moghateli@yahoo.com



ارزش های جهانی منطقه فرهنگی نوروز و رسالت دانشگاهیان در شکل دهی به گفتمان حوزه

تمدنی نوروز

مجتبی مقصودی^۱

چکیده

نوروز به عنوان یکی از آیین های کهنسال بشری، بسامد و جوهره معرفت شناسی، هستی شناسی و انسان شناسی متساهلانه و سازگاری است که ظرفیت دارد توسط نخبگان، اندیشمندان، روشنفکران و دانشگاهیان این حوزه تمدنی تبدیل به گفتمانی فراگیر و جهانی گردد و در آشفته بازار جنگ و منازعه و ستیز در سطح جهان، به مثابه مکتب عشق (عشق به خود، هم نوع و طبیعت) سبک زندگی و ایدئولوژی متفاوتی را فراسوی مرزهای دولت های ملی و جغرافیای سیاسی موجود رقم بزند و آرامش و کرامتی برآمده از نیازها و جوهره واقعی انسان ها را ایجاد نماید.

علیرغم چنین ظرفیت های بی بدیلی، بخش هایی از حوزه تمدنی نوروز در حال حاضر درگیر افراط گرایی و افراط گرایان متعصب قومی، دینی- مذهبی، نژادی است که بنیان های زندگی مردم عادی را نشانه رفته اند و هر روز بر طبل جنگ و منازعه و خاص گرایی می کوبند. در چنین هنگامه پارادوکسیکالی چه باید کرد و مسئولیت جامعه دانشگاهی این منطقه فرهنگی به عنوان سرآمدان فکری و اندیشه ای چیست؟ این مقاله با بهره گیری از روش کیفی و رهیافت سازه انگارانه، ضمن بررسی ظرفیت های فرهنگی- تمدنی این آیین کهنسال، رسالت دانشگاهیان در شکل دهی به گفتمان حوزه تمدنی نوروز را از راه شناسایی و احصاء بایسته های استقرار آن مورد طرح قرار می دهد. از یافته های پژوهش که از جمله بایسته های خروج از شرایط نامناسب پیش رو و تسهیل و تثبیت ارزش ها و گفتمان نوروزی به مثابه ارزش های صلح پرور و گفتمان صلح ساز است می توان به «بازشناسی و باز توزیع ارزش ها، نمادها و سبک زندگی نوروزی»، «هژمونیک سازی ارزش های نوروزی»، «تشکیل مجمع نخبگان و دانشگاهیان حوزه فرهنگی نوروز»، راه اندازی «فدراسیون دانشجویی منطقه فرهنگی نوروز»، اهداء «جایزه نوروز» و دهها مورد در این باره اشاره نمود.

واژگان کلیدی: نوروز، دانشگاهیان، گفتمان سازی، حوزه فرهنگی- تمدنی نوروز، سازه انگاری

^۱ بنیانگذار انجمن علمی مطالعات صلح ایران و دانشیار علوم سیاسی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز. رایانامه: maghsoodi42@yahoo.com



رسالت دانشگاهیان در نسل چهارم دانشگاه برای صلح آفرینی در منطقه نوروز

محمد منصورنژاد^۱
پری وکیلی^۲

چکیده

در این مطالعه، دانشگاهیان حوزه و منطقه نوروز، «متغیر مستقل» و ایجاد صلح، «متغیر وابسته» است. برای نشان دادن تاثیر این دو متغیر، لازم است «متغیرهای میانی» منظور شود تا نقش متغیر مستقل (استادان) بر متغیرهای میانی تحلیل و سپس از تاثیرات متغیرهای میانی بر متغیر وابسته (صلح) گفت. عناصر شکل دهنده دانشگاه نسل ۴ به شرح زیر متغیرهای میانی تحقیق هستند: ۱. توجه به صنعت نسل چهار (هوش مصنوعی، اینترنت اشیا و...) و به ویژه فناوری اطلاعات نوین؛ ۲. توجه به زیست بوم و توسعه پایدار؛ ۳. توجه به جامعه و فراتر رفتن از محیط حرفه ای؛ ۴. نگاه فرو ملی (محلی) و فراملی (جهانی)؛

در این مطالعه کوشش می شود تا ویژگی های مولفه های دانشگاه نسل ۴ در منطقه زبانی «نوروز» (آسیای مرکزی و افغانستان، پاکستان و هند و...) برشماری و برجسته شوند و مثلاً نشان داده شود که استادان دانشگاه های حیطه جغرافیای فرهنگی نوروز، چه سخن مشترک در جامعه گرایی، توجه به توسعه پایدار و زیست بوم دارند که آنها را از مناطق دیگر منفک می کند؟

در مبانی و الگوی نظری تحقیق هم از دیدگاه «گاتمن» (اوراینی-فرانسوی) در بحث «آیکونوگرافی» و نیز از لایه های چهارگانه «هافستند» از فرهنگ، به شرح زیر: «ارزش ها؛ شعایر، مشاهیر و سمبل ها» بهره جسته می شوند.

روش تحقیق از سویی توصیفی-تاریخی است و از سوی دیگر تحلیلی و تبیینی است و شیوه گردآوری داده اسنادی و کتابخانه ای است.

از دستاوردهای این بررسی آن است که ظرفیت های بالقوه استادان دانشگاهی نسل ۴ برای ایجاد صلح در منطقه نوروز، بسیار بالاتر از حدی است که فعلاً شناخته می شود و یا به کار گرفته می شود. هم این ظرفیت ها را باید شناخت و بلکه گسترش داد و هم برای عملیاتی نمودن آنها باید ارایه طریق داشت؛ غایتی که در این نوشتار با روش های آکادمیک تا حدودی محقق می گردد.

واژگان کلیدی: منطقه نوروز، دانشگاه، صلح، فرهنگ، توسعه پایدار، آیکونوگرافی

^۱ دکترای علوم سیاسی از دانشگاه تهران
^۲ کارشناسی ارشد از دانشگاه مفید قم



تحلیل سازه-انگارانه از نقش مهاجران افغانستانی در تحکیم دیپلماسی عمومی و افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در کشور افغانستان

سید محمد موسوی^۱

چکیده

هدف پژوهش حاضر، تبیین نقش مهاجران افغانستانی در تحکیم دیپلماسی عمومی و افزایش قدرت نرم ایران بر افغانستان است. روش تحقیق پژوهش، توصیفی و تحلیلی با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای می‌باشد. منطق حاکم بر پژوهش نیز بهره‌گیری از رهیافت سازه‌انگاری است. جامعه مورد مطالعه نیز مهاجران افغانستانی ساکن ایران می‌باشند.

یافته‌های پژوهش گویای آن است که شمار قابل توجهی از مهاجران افغانستانی به‌ویژه مهاجران نسل دوم و سوم آن‌ها و نیز مسئولین دولت افغانستان که در ایران تحصیل نموده اند، تحت تأثیر آداب و فرهنگ ایرانی بوده (البته اشتراکات حوزه تمدنی دو کشور را باید به این امر افزود) و به‌عنوان منبع بالقوه قدرت نرم ایران به شمار می‌روند و با بهره‌گیری از این شرایط می‌توان در همسوسازی سیاست‌های کشور همسایه با منافع ملی کشور، گام‌های واقع‌بینانه‌تری در پیش گرفت. نتایج پژوهش نشان داد جمهوری اسلامی ایران بسیاری از امتیازات و مزایای اجتماعی را به مهاجران اعطا نموده و به این دلیل از کارآمدی بالاتری به‌منظور افزایش قدرت نرم خود در افغانستان برخوردار است.

واژگان کلیدی: مهاجران افغانستانی، دیپلماسی عمومی، قدرت نرم، انقلاب اسلامی، سازه-انگاری

^۱ دانشیار علوم سیاسی دانشگاه پیام نور. رایانامه: s46mosavi@yahoo.com



بایسته‌ها و راه‌های ایفای نقش دانشگاهیان در گسترش صلح و دوستی در منطقه نوروز؛ از تئوری تا عمل

طاهره میر رکنی بنادکی^۱

چکیده

جشن‌های نوروزی یکی از ماندگارترین آیین‌های باستانی تمدن ایرانی، مبتنی بر نظم طبیعی است. این بنیان را در دو شاخص طبیعت و اجتماع به‌روشنی می‌توان دید. نوروز بستر ساز صلح و دوستی و نظم ساز رابطه انسان با طبیعت و انسان با انسان است. فرهنگ برآمده از آیین‌های نوروزی اگرچه روایتگر زیست اقوام ایرانی در پهنه جغرافیایی ایران از گذشته تاکنون بوده است، اما به لحاظ داشتن عناصر ساختاری، ارزشمندی جهان آفرینش و احترام به طبیعت زندگی ساز، همزیستی و مدارای اجتماعی در سال‌های پیش رو که منطقه در التهاب تغییرات آب و هوایی و بی‌ثباتی‌های سیاسی و اجتماعی به سر خواهد برد، می‌تواند پیشران روابط مردم-مردم در این حوزه باشد.

مقاله کنونی در پی پاسخ به این پرسش بوده است که بایسته‌ها و راه‌های ایفای نقش دانشگاهیان در گسترش صلح و دوستی در منطقه نوروز کدام است و چگونه می‌توان تئوری را کاربردی کرد؟ فرضیه مقاله که به‌صورت پاسخ فرضی به پرسش مذکور ارائه شده، آن است که قدرت نرم، جوهره اصلی دیپلماسی علمی است که باید با شناخت دقیق، از همه ابزارهای آن برای گسترش صلح و دوستی و قرابت فرهنگی در منطقه استفاده نمود. روش پژوهش در این مقاله توصیفی و تحلیلی است.

واژگان کلیدی: نوروز، صلح و دوستی، دانشگاهیان، قدرت نرم.

^۱ دانش‌آموخته مطالعات منطقه‌ای (گرایش اوراسیا) دانشگاه شهید بهشتی. یارنامہ: t.mirrokn97@gmail.com



نقش دیپلماسی نوروز در صلح و امنیت منطقه

امیرھوشنگ میرکوشش^۱

چکیده

حوزه نوروز با توجه به هویت‌های قومی متنوع و متکثر، دچار جنگ، خصومت و خشونت است. دین و مذهب به جای آن که عامل همگرایی میان ملل و اقوام این منطقه شود، به ابزار و دستاویزی برای نفاق، خشونت و دشمنی تبدیل شده و جنگ‌های فرقه‌ای را دامن زده است. پرسش مقاله آن است که دیپلماسی نوروز چه نقشی در تأمین صلح و امنیت منطقه و حوزه نوروز دارد؟ و فرضیه از این قرار است که جغرافیای فرهنگی، افزون بر مکان، زمان را نیز در برمی‌گیرد. لذا حوزه نفوذ و دایره تأثیر آن، مبتنی بر فرهنگ نوروز، می‌تواند نژاد، زبان و حتی دین را درنوردد و چتری برای انسان‌های منطقه و حوزه نوروز بگستراند. واقعیت آن است که اشتراکات فرهنگی مهم‌ترین مؤلفه حوزه جشن‌های نوروز به شمار می‌رود و می‌توان آن به دیگر حوزه‌های جغرافیایی تسری داد. در نتیجه، نوروز سنتی است برای همزیستی مسالمت‌آمیز میان جوامع منطقه و ملت‌های حوزه نوروز.

می‌دانیم که در حوزه فرهنگی نوروز بیش از ۳۰۰ میلیون جمعیت زندگی می‌کنند و جشن‌های نوروز در بیش از ۱۰ کشور جهان به صورت رسمی و در ۴۰ کشور به صورت نیمه رسمی برگزار می‌شود. بنابراین دیپلماسی نوروز به عنوان بخشی از دیپلماسی عمومی می‌تواند در مناسبات و تبادلات فرهنگی میان ایران و کشورهای این حوزه به کار گرفته شود و در تأمین منافع ملی کشور نقش مهمی را ایفا نماید. همچنین دیپلماسی نوروز می‌تواند با منافع اقتصادی کشورهای این حوزه جغرافیایی همراه باشد؛ موضوعی که در ایران همچنان مغفول مانده و نادیده گرفته می‌شود. روش تحقیق این مقاله روش کیفی است، روش تجزیه و تحلیل داده‌ها، توصیفی تحلیلی و چارچوب نظری تحقیق متأثر از نظریه همگرایی منطقه‌ای است.

واژگان کلیدی: دیپلماسی نوروز، فرهنگ، صلح، امنیت، همگرایی منطقه‌ای

^۱ عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود، رایانامه: ammirkoooshesh@gmail.com



گفتگوی فراگیر علمی و فرهنگی در منطقه فرهنگی نوروز؛ تقویت اعتماد و آغاز روند صلح

سید عبدالامیر نبوی^۱

چکیده

اعتمادسازی میان ملت‌ها و تقویت آن، یک روش منطقی و قابل اتکا و شاید یکی از محدود راه‌های باقی‌مانده برای استحکام روند صلح‌سازی در منطقه فرهنگی نوروز است؛ یعنی روندی که برخلاف ادعاهای سیاستمداران، کمتر هواخواهی در میان آنان دارد. در واقع، با توجه به ساختار قدرت و ماهیت دولت در منطقه فرهنگی نوروز و بحران‌های متعدد پیش رو، به نظر می‌رسد اهمیت این موضوع بیش از آن باشد که به سیاستمداران داخل و خارج از منطقه سپرده شود. بنا به تجربه جهانی، در این موارد چاره‌ای جز بازگشت به نهادهای مدنی نیست و اعتمادسازی از راه گفتگوی فراگیر چنین نهادهایی ممکن خواهد بود. همان‌گونه که صاحب این قلم پیشتر بازگو کرده است و البته ممکن است پیشنهادش آرمانی یا خیالی بنماید، کوشش مداوم برای تأسیس و تقویت نهادهای گوناگون مدنی، به‌ویژه در حوزه صلح‌خواهی و دوری از خشونت و سپس ارتباط و پیوند خوردن آن‌ها می‌تواند نخستین گام جدی برای خروج از وضعیت مبهم و نگران‌کننده موجود باشد. فعالیت مداوم چنین نهادهایی به شکل‌گیری پدیده «نخبگان صلح» می‌انجامد و گفتگوی فراگیر میان آن‌ها مسیر دشوار فعلی برای صلح‌سازی را به تدریج تسهیل می‌کند. در این میان، دانشگاه که بنا به تعریف، نهادی فرهنگی و اجتماعی است یا باید باشد، می‌تواند نقطه آغاز مناسبی برای بهره‌گیری مناسب از تجربیات جهانی و شروع گفتگوهای فراگیر علمی و فرهنگی باشد؛ اقدامی مدنی که در صورت تداوم و تعمیق قواعد حاکم بر بازی‌های سیاسی را به‌مرور تغییر خواهد داد. مهم‌ترین مانع در این مسیر، هم نخبگان جنگ هستند و هم قدرت‌های فرامنطقه‌ای که از شرایط ناصح حاکم بر منطقه سود می‌برند و هر دو می‌کوشند هزینه فعالیت‌های مستقلانه را بالا ببرند. نوشته حاضر با تحلیل عوارض امواج اقتدارگرایی (امواج برگشت از دموکراسی) برای صلح در منطقه و با توجه به کارکردهای دانشگاه‌های نسل چهارم و ارتباط آن با نهادهای جامعه مدنی تدوین خواهد شد.

واژگان کلیدی: صلح و خشونت، نخبگان صلح، جامعه مدنی، دانشگاه، اعتمادسازی

^۱ دانشیار موسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی. رایانامه: nabavi@iscs.ac.ir



اسلام منادی قراردادهای صلح بدون جنگ

قاسم نصر^۱

چکیده

سازمان ملل متحد در پنجاه و هفتمین مجمع عمومی خود، روز ۲۱ سپتامبر را، «روز جهانی صلح» اعلام کرد. این در حالی است که آتش جنگ و خشونت، همچنان در جهان زبانه می‌کشد. دین اسلام همواره بر سلم و صلح تأکید داشته است. گفت‌وگو، پیشنهاد و قرارداد صلح پیش از رخ دادن هرگونه منازعه‌ای حتی با کفار و مشرکین، نشان از این دارد که صلح و آرامش در میان انسان‌ها، برای اسلام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. صلح و امنیت از مفاهیم باارزش و از ارزش‌های محوری دین اسلام به شمار می‌رود و آن قدر مهم است که یکی از صفات و نام‌های خداوند «سلام» به معنای «امنیت و صلح» است. واژه‌های صلح، سلم، امن و دیگر مشتقات آن‌ها به کرات در قرآن کریم و احادیث نبوی و ائمه معصومین ذکر شده است. ورود کلمه «صلح» در معاملات اقتصادی و همچنین استفاده از گزینه‌های متنوعی برای بازسازی از جنگ و خشونت، نشان از اهمیت ویژه صلح در اسلام دارد.

اسلام دین صلح است یا جنگ؟ این تحقیق کتابخانه‌ای مبتنی بر تحلیل توصیفی، بر آن است که نشان دهد اسلام تأمین‌کننده صلح است و کاربرد قراردادهای صلح بدون جنگ می‌تواند در حرکت به سوی جهانی آرام‌تر مؤثر باشد. جنگ و صلح در اسلام نه تابعی از کفر و شرک، بلکه ناگزیری بر مبنای عقل و مصلحت است و بالاخره اینکه، اسلام با سپردن مسئولیت تصمیم‌گیری درباره جنگ‌ها به معصومین (ع)، راه هرگونه خشونت و جنگ علیه دیگران را از سوی امثال تکفیری‌ها بسته و حتی، جنگ‌هایی که توسط غیر معصوم به‌عنوان گسترش اسلام به دیگر کشورها تحمیل شده، نادرست و قابل عذرخواهی است.

واژگان کلیدی: اسلام، قرارداد صلح بدون جنگ، مصلحت، معصومین، منابع اجتهادی

^۱ دکتر تخصصی فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه آزاد واحد تهران شمال. رایانامه: ghasemnaser@yahoo.com



فرق یار؛ دانشگاهیان و «بازسازی شهر دل» در منطقه فرهنگی نوروز

حسین نوروزی^۱

چکیده

جهان در آتش است. کشمکش و تدبیر دولت‌ها برای ایجاد صلح و امنیت همچو سراب می‌نماید. در فضای رقابت نفس‌گیر بین‌المللی دولت-محور، کرامت انسان، انسانیت و فرهنگ دوستی بیشتر جنبه گفتمانی و تشریفاتی دارد و از این‌رو نوای صلح هم حزین و شکننده‌تر می‌شود. مجموعه‌ای از تحولات پیچیده در سطوح متداخل سیاست، اقتصاد و فرهنگ به نام منافع ملی باعث شده است تا فضای روابط بین‌المللی هم روزبه‌روز سخت‌تر، سردتر و تقابلی شود. مجموعه‌ای از ضعف، مشکلات و ناکارآمدی در کشورهای جهان در حال توسعه همراه با نقش تبهکارانه قدرت‌های بزرگ در ایجاد فضای آشوب بین‌المللی، این محیط تضاد و تقابل در سیاست خارجی‌ها را خصوصیت‌آمیز کرده است. با محوریت مفاهیمی چون معمای امنیت در فرهنگ راهبردی دولت‌ها، فرهنگ صلح و دوستی هم بیشتر به حاشیه رانده می‌شود و سرمایه‌ها و منابع چشمگیری از ملت‌ها پایمال می‌شود که بسیاری از خسارت‌های انسانی و فرهنگی هم غیرقابل جبران هستند. نهادهای بین‌المللی در میانه فشار قدرت‌ها، ضعیف‌تر و کم‌روحیه‌تر می‌شوند.

این فضا و روند عمومی در منطقه فرهنگی نوروز هم‌شکل و شدت خاص خودش را دارد. جوامع این حوزه بر اثر تحولات جدید ملی-جهانی و در مقایسه با بسیاری از کشورهای جهان ای‌بسا شرایط ویژه، بدتر و آسیب‌پذیرتری دارند؛ اما روزنه‌هایی از امید و نجات از این فضا دیده و احساس می‌شود که باید ایده‌ها به عمل تبدیل شوند. کنشگران غیردولتی استعدادها و ظرفیت‌های گوناگونی برای ایجاد و استحکام فرهنگ صلح در درون و میان جوامع دارند. یکی از این کنشگران، قشرهای علمی و دانشگاهی هستند. علم و دانشگاه هنوز جایگاه و مرجعیت قابل اتکایی در میان جوامع دارد تا بنا بر رسالت اجتماعی-انسانی خود برای گسترش فرهنگ صلح و تعالی کوشش شود.

پرسش اصلی مقاله این است که: «اهمیت منطقه فرهنگی نوروز با عنایت به نابسندگی سیاست خارجی دولت‌ها برای تحقق فضای صلح و دوستی در شرایط امروز بین‌المللی چیست و رویکرد نیروی علمی و دانشگاهی در منطقه فرهنگی نوروز به چه ترتیب می‌تواند در جهت گسترش فرهنگ صلح و دوستی مورد توجه و برنامه‌ریزی قرار گیرد؟» در پاسخ اولیه به پرسش یادشده و به‌عنوان راهکار پیشنهادی برای مشورت و برنامه‌ریزی می‌توان گفت که: «با عنایت به همه موانع موجود بر سر راه صلح و دوستی در روابط بین‌المللی، نابسندگی سیاست خارجی دولت-محور و مشکلات خاص منطقه نوروز، برگزیدگانی از ملت‌ها با عنوان دانشگاهیان در منطقه فرهنگی نوروز که فضای حیاتی بین‌المللی ما ساکنان این حوزه است، می‌توانند وارد عمل شوند؛

^۱ استادیار روابط بین الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. رایانامه: norooziutir@ut.ac.ir



به طوری که با اتکا به فرصت و سرمایه خالص خود (علم و عشق) و بدون هیچ منت و وابستگی به بودجه و غیره، برای نقش زدن تاروپود فرش دوستی و صلح، به عنوان نیاز میرم در روابط این منطقه که با رویکردی آینده‌نگرانه و مبتنی بر ابتکارات علمی با عنوان کلی: «بازسازی شهر دل» باشد، با اقدامات علمی- فرهنگی چندگانه رسالت خطیر و تاریخی خود را انجام دهند». محورها و جزئیات این ابتکار علمی- فرهنگی را در چند فراز و موضوع در متن اصلی مقاله بیان خواهیم کرد.

واژگان کلیدی: صلح، دوستی، دانشگاهیان، علم و عشق، بازسازی شهر دل، منطقه فرهنگی نوروز





آسیب‌شناسی دیپلماسی ایران در منطقه فرهنگی نوروز

طیبه واعظی^۱

چکیده

دیپلماسی علمی، به‌عنوان مفهومی و به معنای به‌کارگیری روابط و همکاری‌های علمی میان ملت‌ها برای دستیابی به اهداف مشترک و حل چالش‌های مشترک، یکی از ابزارهای ارتباط میان ملت‌ها است که امروزه با اهمیت یافتن اجتماعات نخبگان و متخصصان، دارای اهمیت فراوان شده است. منطقه نوروز که از دید فرهنگی شامل کشورهایی است که نوروز را جشن می‌گیرند، از دید جغرافیایی بیش از ۲۰ کشور و منطقه را دربرمی‌گیرد. با توجه به وجه اشتراک فرهنگی میان این کشورها، به نظر می‌رسد برقراری ارتباطات مردمی در این عرصه فرهنگی از مزیت‌های نسبی است که کشورهای منطقه می‌توانند از آن برخوردار شوند.

از همین رو جمهوری اسلامی ایران نیز کوشش کرده است تا با توجه به پیشرفت‌های علمی خود در دهه‌های اخیر، دیپلماسی علمی خود را به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های قدرت نرم خود در این کشورها و مناطق، به‌ویژه در میان همسایگان فعال کند تا بدین‌وسیله به همگرایی بیشتر در میان کشورهای منطقه دست یابد. با این‌همه، شاهد آنیم که همگرایی بایسته در میان کشورهای منطقه تاکنون تحقق نیافته است. این امر را به وجود برخی نواقص و ضعف‌ها در سیاست‌گذاری و اجرای دیپلماسی علمی هدایت می‌کند. بر این پایه در مقاله کنونی کوشش می‌شود به این پرسش پاسخ داده شود که آسیب‌های دیپلماسی علمی ایران در کشورهای منطقه نوروز کدامند؟ پاسخ به این پرسش با روش توصیفی-تحلیلی و با اتکا به منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی صورت خواهد گرفت.

واژگان کلیدی: نوروز، منطقه، دیپلماسی علمی، دیپلماسی عمومی، همکاری

^۱ استادیار گروه مطالعات منطقه‌ای دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. رایانامه: vaezi@ut.ac.ir



کنفدرالیسم نوروز: طرحی برای صلح پایدار در منطقه فرهنگی نوروز

آزاد عبدالقادر ولدبگی^۱

چکیده

با توجه به وجود منازعات گوناگون قومی، دینی، مذهبی، فرهنگی و اجتماعی در منطقه فرهنگی نوروز که از آسیای میانه تا شمال آفریقا را در برمی گیرد، چنین به نظر می رسد که باید طرحی تازه در منطقه ایجاد شده و از پتانسیل های متعدد به منظور کاهش خشونت و ایجاد صلحی پایدار سود جست. یکی از این طرح ها می تواند استفاده از پتانسیل های فرهنگی موجود در منطقه باشد. مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۰ روز ۲۱ مارس را به عنوان روز جهانی نوروز اعلام کرد. نوروز به عنوان میراث مشترک جهانی و بشری می تواند پیام رسان صلح در منطقه فرهنگی نوروز بوده و این امر می تواند دستاویز خوبی برای ایجاد کنفدرالیسم نوروز باشد که تمامی کشورهای موجود در منطقه فرهنگی نوروز را شامل شود.

کنفدرالیسم نوروز به مثابه اتحادیه اروپا و اتحادیه های مشابه می تواند عامل همگرایی بیشتر کشورهای منطقه شده و نویدبخش آغاز صلحی پایدار در منطقه پر آشوب نوروز باشد. این کنفدرالیسم می تواند بر اساس یک موافقت نامه منطقه ای در میان کشورهای ذینفع ایجاد شود و گام به گام تمامی زمینه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در برگیرد. هرچند تحقق چنین ایده ای چندان آسان نیست، اما محال نیز نبوده و با پشتکار و اراده سیاسی کشورهای منطقه و پرتنگ نمودن وجوه اشتراک و دوری از وجوه افتراق، می تواند زمینه همکاری و تعامل مثبت را فراهم نموده و به واقعیت بپیوندد. طبیعی است که دانشگاهیان و نخبگان منطقه نیز باید در این زمینه نقش مثبت و فعالی داشته و در این باره سیاستمداران منطقه را با خود هم داستان کنند.

واژگان کلیدی: نوروز، کنفدرالیسم، صلح پایدار، فرهنگ

^۱ کارشناس ارشد حقوق بین الملل عمومی، مدرس دانشگاه و روزنامه نگار، اربیل، اقلیم کردستان عراق. رایانامه: azadwaladbagi@gmail.com



صلح عمومی در منطقه فرهنگی نوروز در گفتمان زنانه نگر

نفیسه براهی^۱

چکیده

دیدگاه زنانه‌نگر همواره جانب‌دار صلح بوده است. مخالفت با نابرابری جنسی بسیاری از گرایش‌های این دیدگاه را به مخالفت با نابرابری در حوزه‌های دیگر، تساهل و پذیرش حقوق دیگران و به تبع آن صلح‌آفرینی سوق داده است. همچنین این گفتمان در پارادایم پست‌مدرنیسم تعریف شده است و به همین خاطر بر بسیاری از پیامدهای دیدگاه مدرنیته که جنگ‌محوری و مبارزه برای افزایش قدرت، از نمونه‌های بارز آن بود، حمله می‌کند. بسیاری از آثار که برگرفته از دیدگاه زنانه‌نگر هستند بر نکوهش جنگ و مردانه دانستن آن و همچنین تضاد آن با خوی و خصلت زنانه تأکید کرده‌اند. این دیدگاه به دلیل این که خاستگاه قشری بوده است که همواره مورد تبعیض قرار گرفته‌اند، دیدگاه برابری‌طلبانه در پیش گرفته و همواره همه گرایش‌ها و گروه‌های گوناگون را به رسمیت می‌شناسد. همچنین شاخه‌هایی از این دیدگاه بر اخلاق مراقبت تأکید داشته و بر این باورند که همه کنش‌های ما باید با توجه به این امر صورت بگیرد که کمترین جراحات روحی/جسمی را به دیگران وارد کنیم.

صلح‌گرایی دیدگاه زنانه‌نگر می‌تواند ارائه‌کننده راهکارهایی برای منطقه فرهنگی نوروز باشد. تجربه روابط بین‌الملل در سده گذشته ثابت کرده است که پیشبرد اهداف و منافع کشورهای یک منطقه جز با همکاری و همگرایی در زمینه‌های گوناگون امکان‌پذیر نیست. منطقه فرهنگی نوروز که دامنه آن از کاشغر در چین و کشمیر در هند گرفته تا استانبول در ترکیه و بیروت در لبنان و از اوستیا در روسیه و نورسلطان در قزاقستان تا کراچی در پاکستان و بصره در عراق را در برمی‌گیرد؛ نشان از تنوع فرهنگی، زبانی و قومیتی دارد که دیدگاه زنانه‌نگر با توجه به کثرت‌گرایی که در ذات خود دارد و دربرگیرندگی نگرش‌های گوناگون، می‌تواند این تفاوت‌ها را نیز در منافع و اهداف مشترک جمع کند.

در این مقاله با بررسی مؤلفه‌های صلح، میزان تطابقشان را با دیدگاه زنانه‌نگر مورد بررسی قرار می‌دهیم. درواقع این نکته مورد توجه است که آیا می‌توان از دیدگاه زنانه‌نگر اصول و مؤلفه‌های صلح را مورد بررسی قرارداد؟ همچنین این پرسش مطرح می‌شود که گفتمان زنانه‌نگر تا کجا توان ایجاد صلح را در این منطقه خواهد داشت؟ پیش‌فرض در این مقاله، صلح‌نگر بودن گفتمان زنانه‌نگر و همچنین ارائه پیشنهادهایی برای ایجاد صلح در منطقه فرهنگی نوروز است.

واژگان کلیدی: صلح زنانه‌نگر، منطقه فرهنگی نوروز، پست‌مدرنیسم، گفتمان برابری

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی دانشگاه تهران. رایانامه: navfise@gmail.com



نوروز و بازتعریف روابط ایران و کشورهای همسایه از طریق دیپلماسی خاطرات

آنا یوسفیان^۱

چکیده

دیپلماسی خاطرات نوعی دیپلماسی عمومی است که به وسیله آن کشورها و گروه‌های سیاسی کوشش بر ارتقا روابط و وجهه خود با صدور جشن‌های یادبود و روایت‌های تاریخی و ایجاد رابطه و اتحاد میان خود و دیگر کشورها دارند. نوروز را می‌توان یکی از دیرینه‌ترین آیین‌هایی برشمرد که با توجه به پهنه پاسداشت و اثرگذاری‌اش، از پتانسیل بالایی برای ایجاد همبستگی در زمینه‌های متفاوتی از جمله فرهنگی، اقتصادی و زیست‌محیطی برخوردار است.

با توجه به سیر تحولات در دهه اخیر در بسیاری از کشورهای همسایه و رشد تفکرات افراطی، نوعی خلأ نگرشی رخ داده است که ضرورت دارد توسط باورها و رفتارهایی صلح محور، شاد بنیان و همبستگی آفرین پر شود. نگارنده، نوروز را عاملی می‌داند که با توجه به پیشینه تاریخی درازمدت و گستره جغرافیایی‌اش و نیز آیین‌ها و جشن‌های نمادینش توانایی گرد هم آوردنی از جنس دوستی، صلح و شادی دارد و از این رو، به کارگیری دیپلماسی خاطرات را برای تقویت و بهبود روابط و نیز رونمایی از نقشی پیشرو برای ایران، در برقراری روابطی با پیامدهای مثبت و چندجانبه در زمینه‌هایی متفاوت هموار می‌کند.

واژگان کلیدی: نوروز، ایران، دیپلماسی خاطرات، جشن‌ها و آیین‌های مشترک، کشورهای همسایه

^۱ دانشجوی دکتری روابط بین الملل در دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز. رایانامه: anayousefian@gmail.com



The Fifth Annual Conference and the First International Conference
of the Iranian Peace Studies Scientific Association

Academia and Peacebuilding in the Nowrooz Cultural Sphere

9_10 February 2022-02-06



Book of Abstracts



ECO College of Insurance